



آزادی اصلاح طلبان
منصوری، امام و اصغرزاده آزاد شدند



ستاره‌های غایب
گزارش اختتامیه جشنواره فیلم فجر



عذرخواهی پزشک‌یان

مراسم گرامیداشت روز ۲۲ بهمن با سخنرانی رئیس‌جمهور در تهران و با حضور مردم در سراسر کشور برگزار شد

گروه سیاسی: رئیس‌جمهور در مراسم ۲۲ بهمن در میدان آزادی تهران با بیان اینکه «شرمنده مردم هستیم» از تلاش دولت برای شنیدن صدای مردم و حل مشکلات کشور خبر داد و ضمن عذرخواهی از ملت تأکید کرد که دولت با تمام توان برای رفع نارسایی‌ها و پاسخگویی به مطالبات مردم تلاش می‌کند. وی یادآور شد که حوادث ۱۸ و ۱۹ دی، غم بزرگی بر دل مردم گذاشت و دولت خود را موظف می‌داند

به همه آسیب‌دیدگان این حوادث خدمت کند. پزشک‌یان با تأکید بر اینکه ملت بزرگ ایران اگر با هم باشند، هیچ قدرتی نمی‌تواند آنها را از پای درآورد، گفت: «اعتراض را نعمت می‌دانیم و وظیفه داریم، صدای مردم را بشنویم اما از تخریب، کشتار و خرابکاری بیزاریم».

رئیس‌جمهور روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ماه در جمع راهپیمایان مراسم گرامیداشت سالروز پیروزی انقلاب با

اشاره به اهداف قیام ملت ایران در سال ۱۳۵۷ گفت که مردم برای استقلال، عدالت و ساختن کشوری با عزت و آزادی قیام کردند. رئیس‌جمهور یادآور شد که از آغاز انقلاب، دشمنان از طریق کودتا، ایجاد تفرقه و حمایت از جنگ ۸ ساله تلاش کردند، نظام نوپای ایران را زمین‌گیر کنند اما جوانان کشور با فداکاری و ایثار از ایران دفاع کردند.

ادامه در صفحه ۲



دیپلمات‌سی پنهان

درباره سفرهای لاریجانی به مسکو، مسقط و دوحه



سرمقاله

انقلاب اسلامی و غرب

پیامدهای چپ‌روی، جنگ و تغییر جهت جمهوری اسلامی



سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

دوران مبارزه ملت ایران به رهبری امام خمینی علیه نظام شاهنشاهی که از سال ۱۳۴۲ آغاز شده بود، یک دوره طولانی را شامل می‌شد. در طول این مدت، ایده‌های مختلفی در میان مبارزان و کسانی که علیه شاه فعالیت می‌کردند، شکل گرفت. برخی معتقد به مبارزه مسلحانه بودند. این گروه‌ها شامل گروه‌های چپ مارکسیستی و به‌طور مشخص، مارکسیست‌های اسلامی و به تعبیر امروزی، منافقین، بودند که مبارزه مسلحانه را راهکار خود می‌دانستند. با این حال، مبارزه مسلحانه هیچ‌گاه مورد تأیید امام قرار نگرفت و به آن پرداخته نمی‌شد. اتفاقی که در سال ۱۳۵۶ رخ داد، مرتبط با سیاست‌های آمریکا بود؛ زمانی که کارتر در آمریکا از حزب دموکرات روی کار آمد. با توجه به تفاوت ایده‌ای که بین جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در آمریکا وجود داشت، جمهوری‌خواهان عمدتاً تمرکز خود را بر حمایت از حکومت‌های اقتدارگرا داشتند، درحالی که دموکرات‌ها از جنبش‌های اجتماعی و سیاسی که منجر به دموکراسی می‌شدند، حمایت می‌کردند. دموکرات‌ها، سیاست‌هایی که در آن دوره توسط حکومت پهلوی علیه فعالان سیاسی اعمال می‌شد مانند زندان‌های طولانی و اعدام را مفید نمی‌دانستند و معتقد بودند، سرکوبگری رژیم پهلوی ممکن است زمینه را برای نفوذ جریانات تحت‌نظر اتحاد جماهیر شوروی فراهم کند و ایران به بلوک شوروی نزدیک شود. این نگرانی پیشنهادی قدیمی داشت؛ شواهد نشان می‌داد که در سال‌های پایانی دهه ۱۳۲۰ وقتی آزادی نسبی در ایران برقرار شد، حزب توده که رسماً وابسته به اتحاد جماهیر شوروی بود، بیشترین سازماندهی و فعالیت را داشت. این مسئله علامتی بود که ممکن است چنین نفوذی در آینده رخ دهد. به همین دلیل، پیمان سنتو بین ایران، پاکستان و ترکیه امضا شد تا این سه کشور با همکاری هم از پیشروی شوروی به جنوب جلوگیری کنند. این حساسیت‌ها جدی بود و اقدامات مربوط به آن نیز به دقت دنبال می‌شد. در این میان، امام دو خصوصیت بسیار مهم داشتند که در دوران مبارزه، نقش کلیدی ایفا کرد. یکی هوشمندی فوق‌العاده و دیگری توانایی استفاده بهینه از فرصت‌هایی بود که پیش می‌آمد. به یاد دارم، وقتی حدود ۱۹ ساله بودم، امام پس از درگذشت حاج‌آقا مصطفی خمینی در ماه رجب، یک سخنرانی ایراد کردند. خلاصه صحبت ایشان این بود که روابط شاه با کاخ سفید ضعیف شده است و حتی سفر شهبانو به آمریکا توانسته این روابط را ترمیم کند. امام تشخیص داده بودند که شرایط اکنون با سال‌های قبل، به‌ویژه سال ۵۵ و قبل از آن، کاملاً متفاوت است و بهترین فرصت است تا مردم و گروه‌های سیاسی، به‌ویژه روحانیون و روشنفکران، از این فرصت تاریخی استفاده کنند و نهضت را وارد مرحله‌ای جدید از انقلاب کنند. یکی از نقاط برجسته امام در دوران رهبری این بود که توانستند هوشمندی دموکرات‌های بزرگ در کاخ سفید را درک کنند و از آن بهره ببرند؛ آنها اجازه نمی‌دادند که خشونت بیش از حد اعمال شود. امام این فرصت را مغتنم شمردند و همه سیاسیون، روشنفکران و روحانیون را دعوت کردند تا به صحنه بیایند و مشارکت کنند. این سخنرانی، نقطه آغاز رسمی مرحله جدید انقلاب شد و نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت مبارزه داشت. یک نقطه عطف در مبارزه، سخنرانی امام در مراسم چهارم حاج‌آقا مصطفی خمینی در قم بود. ایشان با شجاعت کامل انتقادات خود را علیه شاهنشاه مطرح کردند و پس از آن، حوادث قم و تبریز ادامه یافت و نهضت مردمی شکل گرفت. در سال ۱۳۵۷ با کمترین تردید می‌توان گفت که نهضت به یک انقلاب مردمی تبدیل شد. هوشمندی و واقع‌بینی امام در این دوران بسیار بارز بود. مبارزه امام محدود به خیابان‌ها یا تظاهرات مردم نبود؛ ایشان به خوبی توانستند، جهت‌گیری غرب و گرایش‌های آمریکایی را درک و مدیریت کنند.

ادامه در صفحه ۲



ادامه سرمقاله

انقلاب اسلامی و غرب

به همین دلیل بود که در دوران انقلاب، ما شعار خاصی علیه آمریکایی‌ها نمی‌دادیم و شعارها علیه آمریکا کنترل‌شده و حساب‌شده بود. روشنفکران و روحانیونی هم که در مبارزه شرکت داشتند به آمریکایی‌ها اطمینان دادند که هدف انقلاب، ضدیت با غرب و بستن شیرهای نفت نیست. بنابراین، این مجموعه اقدامات نمونه‌ای از هوشمندی امام در دوران مبارزه بود. نکته دیگر، مدیریت اسام در اختلافات داخلی گروه‌ها و سازمان‌ها بود. ایشان شاهد بودند که برخی روشنفکران مذهبی تحت‌تأثیر سخنرانی‌های دکتر علی شریعتی در حسینیه ارشاد و برخی روحانیون که در رأس آنان می‌توان آیت‌الله مطهری نام برد، در مبارزه فعال بودند. در کنار آن، سازمان مجاهدین خلق با انشعاب داخلی و تغییر گرایش از اسلام به ایدئولوژی مارکسیستی مواجه شد. حتی گروه‌های چریکی به اقلیت و اکثریت تقسیم شدند و تصفیه‌های داخلی رخ داد. امام به‌عنوان یک رهبر موفق توانستند همه این اختلافات را مدیریت کنند و یکپارچگی وسیعی در صفوف ملت ایجاد کنند. این یکپارچگی شامل تمام گروه‌ها و اقلشار بود؛ از احزاب مانند حزب توده، چریک‌های فدایی و مجاهدین خلق مارکسیست شده تا کارگران، کشاورزان، دانشگاهیان و زنان. امام همه را دور هم جمع کردند و با این انسجام وسیع سیاسی، انقلاب به پیروزی رسید. در این مقطع و پس از پیروزی انقلاب، یکی از گام‌های مهم امام تعیین شکل حکومت پس از انقلاب بود. این اقدام معمولاً در انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی دوران جنگ سرد مرسوم نبود؛ در آن انقلاب‌ها که عمدتاً ماهیت چپ داشتند معمولاً پس از انقلاب، تصمیم‌گیری درباره شکل نظام مدتی طول می‌کشید و مردم در آن مشارکت مستقیم نداشتند.

اما امام تصمیم گرفتند که شکل نظام جدید بلافاصله پس از پیروزی انقلاب توسط مردم مشخص شود و این همان جایی بود که ایده جمهوری اسلامی، بدون کلمه‌ای کم و زیاد، مطرح شد. توضیح مهم که این روزها بیشتر باید به آن بپردازیم این است که در دوران اقامت امام در تبعید، درس‌های فقهی ایشان در مورد حکومت به شکل «حکومت اسلامی» بود، نه جمهوری اسلامی. اما بعد از اخراج از عراق و پذیرفتن اقامت‌شان در کویت و در دوره‌ای که امام به فرانسه رفتند، حضور حلقه‌ای از دوستان و همراهان ایشان در فرانسه باعث شد که ایشان از طرح «حکومت اسلامی» عدول کنند و به «جمهوری اسلامی» برسند. از نظر من، معنای جمهوری اسلامی این بود که امام با تدبیر، اختلافات میان سیاسیون مذهبی و سیاسیون ملی را مدیریت کردند. این اختلاف‌ها سابقه‌ای طولانی داشت: هم در جریان مشروطه و هم در نهضت ملی نفت، تضادها باعث ضعف و ناکامی این حرکت‌ها شده بود. طرح جمهوری اسلامی زمینه‌ای فراهم کرد که همه گروه‌های سیاسی، چه ملی و چه مذهبی، قانع شوند، مشارکت داشته باشند و در اداره کشور سهم باشند. به واقع، این اولین و مهم‌ترین گام بعد از پیروزی انقلاب بود که امام با هوشمندی آن را رقم زدند و مدیریت کردند. اما بعد از پیروزی انقلاب، سه مسئله اصلی باعث شد که اصالت‌های انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی کمی کم‌رنگ شود: اول اینکه ما می‌توانستیم همان تعامل هوشمندانه‌ای که در دوران مبارزه داشتیم را ادامه دهیم و از درگیر شدن با آمریکایی‌ها و غربی‌ها پرهیز کنیم. در دوران مبارزه، شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» زیاد تکرار می‌شد؛ می‌توانستیم با تکیه بر این شعار، بدون اینکه اجازه بدهیم آمریکا در مسائل داخلی ایران دخالتی بکند همان مسیر را ادامه دهیم و نظام میانه‌ای که هم با شرق و هم با غرب در تعامل باشد، داشته باشیم. اما یکی از معضلاتی که پس از انقلاب ظاهر شد، چپ‌روی‌ای بود که اوج آن را در اشغال سفارت آمریکا شاهد بودیم و باعث شد، جمهوری اسلامی جوان و نوپایی که نیاز به مرادوات بین‌المللی و جبران عقب‌ماندگی‌های داخلی داشت و باید عدالت و نظامات اداری پیشرفته را مستقر می‌کرد و فساد و تباهی موجود در نظام حکومتی را از بین می‌برد با یک بحران بزرگ مواجه و وارد یک درگیری چند ده ساله با غرب شود که هنوز هم ادامه دارد. این مسئله انرژی زیادی از کشور گرفت و حرکت‌سازنده جمهوری اسلامی را کند کرد. دومین مسئله، جنگ ۸ ساله‌ای بود که توسط صدام حسین علیه ایران تحمیل شد و با حمایت همزمان آمریکا، انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی از عراق، فشار و هزینه زیادی بر کشور وارد کرد. سومین مسئله، عدول تدریجی برخی سیاستمداران مذهبی از طراحان اسام بود. جمهوری اسلامی‌ای که امام پیش‌بینی کرده بودند به تدریج به سمت «حکومت اسلامی» سوق داده شد و بخش مهمی از سیاسیون روشنفکر، مذهبی یا ملی حذف شدند. در نتیجه، این سه عامل، چپ‌روی‌ای که رویارویی با غرب را رقم زد، جنگ پرهزینه و تغییر جهت جمهوری اسلامی، سبب شدند که جمهوری اسلامی نتواند با سرعت به اهداف بلندمدت انقلاب دست یابد.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

ادامه تیتیریک

عذرخواهی پزشکيان

پزشکيان با تقدير از شهدای قهرمان کشور، ازجمله سرلشکر باقری، سرلشکر سلامی و شهید سلیمانی، تأکید کرد که آنها هیچ چشم‌داشتی جز سربلندی ایران نداشتند و جان و سرمایه خود را برای وطن فدا کردند. او همچنین به سوء استفاده برخی گروه‌ها از منابع کشور اشاره کرد و گفت، زندگی و شهادت این قهرمانان درسی است برای کسانی که امروز ادعای اداره کشور را دارند. رئیس‌جمهور با بیان اینکه دشمن با رسانه و قدرت تهاجمی خود به‌دنبال مغشوش کردن ذهنیت جوانان کشور است، تأکید کرد: به‌عنوان رئیس‌جمهور از ملت ایران به‌خاطر تمام نارسایی‌ها و کمبودها عذرخواهی و اعلام می‌کنم که در دولت چهاردهم تمام تلاش خود را به‌کار گرفته‌ایم که مشکلات مردم را با قدرت و جدیت حل کنیم و به‌حول و قوه الهی و هدایت دایهانه رهبر انقلاب در این مسیر موفق خواهیم شد. پزشکيان اظهار کرد: برای تحقق توسعه بیش از هر چیز به وحدت و انسجام داخلی نیاز داریم، در مقابل تهدیدها، توطئه‌ها و کج‌روی‌ها و فریب جوانان کشورمان، راهی جز وفواق نداریم. وی با تأکید بر اینکه «وفاق» نیاز امروز جامعه ماست، گفت: امروز بیش از هر زمان به هدایت دایهانه رهبر انقلاب نیازمندیم تا مشکلات و تفرقه‌ها را کنار بگذاریم و ایشان سلايق مختلف را در کنار هم جمع و به‌سوی هدف روشن هدایت کند. وجود رهبر انقلاب، نقطه قوتي است که توانسته، نظام و انقلاب را به‌رغم تمام مشکلات با قدرت به پیش ببرد.

دولت آماده شنیدن صدای مردم است

رئیس‌جمهور با بیان اینکه حوادث ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه غم بزرگی بر دل مردم ایران نهاد، گفت: ما شرمنده مردم هستیم و خود را موظف می‌دانیم به همه کسانی که در این حوادث آسیب دیدند، خدمت کنیم. شهدای عزیز در نیروی انتظامی، سپاه، بسیج و حتی آنان که دانسته و یا ندانسته فریب خوردند و اقداماتی انجام دادند که نباید اتفاقی می‌افتاد. پزشکيان با تأکید بر اینکه دولت آماده شنیدن صدای مردم است و خود را خدمتگزار مردم می‌داند، بیان کرد: ما خود را نوکر مردم می‌دانیم، به‌دنبال تقابل با مردم نیستیم اما دشمن تلاش می‌کند که زخم جامعه را عمیق‌تر کند باید آگاه باشیم که این به‌نفع ما نیست، ما باید ید واحده باشیم و با هدایت رهبر معظم انقلاب، زخم جامعه را درمان کنیم و در مقابل تهاجم

سیاست

آزادی اصلاح‌طلبان

وکیل مدافع آذر منصوری، جواد امام و ابراهیم اصغرزاده از آزادی موکلانش خبر داد

گروه سیاسی: عصر دیروز، حجت کرمانی، وکیل آذرمنصوری دبیر کل جبهه اصلاحات از آزادی او با تودیع وثیقه ۵ میلیارد تومانی خبر داد. پیش از این، جبهه اصلاحات هم خبر آزادی آذر منصوری، رئیس این جبهه با تودیع وثیقه را اعلام کرده بود. کرمانی، پیش از این اعلام کرده بود که جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات و دبیرکل حزب مجمع ایثارگران و ابراهیم اصغرزاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب نیز شامگاه پنج‌شنبه ۲۳ بهمن با تودیع وثیقه آزاد شدند. این سه فعال سیاسی در روزهای یک‌شنبه و دوشنبه ۱۹ و ۲۰ بهمن‌ماه، پس از اعلام جرم دادستان تهران علیه برخی فعالان اصلاح‌طلب، بازداشت شده بودند. روز یک‌شنبه ۱۹ بهمن خبر بازداشت آذر منصوری، رئیس جبهه اصلاحات و دبیرکل حزب اتحاد ملت به‌همراه ابراهیم اصغرزاده و محسن امین‌زاده، دو چهره دیگر این جبهه، منتشر شد. همچنین گزارش شد که مأموران سپاه پاسداران با حضور در منازل محسن آرمین، نایب‌رئیس جبهه اصلاحات، بدرالسادات مفیدی، دبیر این جبهه و نیز فیض‌الله عرب‌سرخی، دیگر فعال اصلاح‌طلب، آنها را برای روز سه‌شنبه به دادسرای اوین فراخواندند. در ادامه این تحولات، روز دوشنبه ۲۰ بهمن نیز خبر بازداشت علی شکوری‌راد، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت، جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات و حسین کرویی در رسانه‌ها منتشر شد.

خبرگزاری فارس در گزارشی، اتهامات آنان را «هدف‌گیری

دشمن با وحدت و انسجام بایستیم. وی هدف از انقلاب اسلامی را برقراری عدالت و رفع تبعیض دانست و تأکید کرد: دولت چهاردهم تلاش می‌کند که مرزهای جنستی، قومیتی و جناحی را کنار بگذارد و عدالت را در سراسر کشور به‌صورت یکسان برقرار کند.

رئیس‌جمهور با اشاره به برنامه‌های توسعه‌ای دولت درخصوص اتمام پروژه‌های ارتباطی و کریدورها، گفت: دستور رهبر انقلاب ایجاد صمیمیت و روابط برادرانه با کشورهای دوست منطقه و برادرانمان است و دولت نیز به‌دنبال تحقق این هدف مهم است. پزشکيان نقش کشورهای منطقه و اسلامی را در نقش بر آب کردن توطئه



دشمنان مهم ارزیابی کرد و افزود: کشورهای منطقه یکی پس از دیگری در تماس‌های تلفنی، دغدغه‌ها و مواضع خود را با ما در میان می‌گذاشتند؛ در این مسیر از مقامات، رؤسای‌جمهور و امرای کشورهای منطقه شامل ترکیه، قطر، امارات، پاکستان، عربستان، مصر و... قدردانی می‌کنم که دغدغه ایران را داشتند و به‌دنبال حل مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک مسائل منطقه بودند تا رژیم اسرائیل و آمریکا اجازه پیدا نکنند که نقشه‌های شوم خود را پیاده کنند. رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه ایران صادقانه مسیر دیپلماسی را در پیش گرفته است، خاطرنشان کرد: بارها و بارها اعلام کرده‌ایم که به‌دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و برای هرگونه راستی‌آزمایی نیز آماده‌ایم. وی افزود: آمریکا و اروپا با مواضع و حرف‌های خود دیوار بلند بی‌اعتمادی را ایجاد کرده‌اند و اجازه نمی‌دهند که گفت‌وگوها به نتیجه برسد. ایران در مقابل زیاده‌خواهی غرب سر خم نخواهد کرد و در مقابل تجاوز کوتاه نخواهد آمد، در عین حال با تمام قوا در جهت صلح و آرامش با کشورهای منطقه در تعامل هستیم

چراکه بر این باوریم، مشکل منطقه تنها به‌دست کشورهای منطقه قابل حل است نه کشورهای بیگانه.

منطقه نیازی به حضور بیگانگان ندارد

پزشکيان با تأکید بر اینکه منطقه ما نیازی به حضور بیگانگان ندارد، اظهار کرد: در چارچوب قوانین بین‌المللی و حقوق کشورمان، آماده گفت‌وگو هستیم و از خطوط قرمزی که رهبر انقلاب تعیین کرده‌اند نیز عدول نخواهیم کرد. رئیس‌جمهور در ادامه سخنان خود مهم‌ترین دغدغه دولت چهاردهم را معیشت مردم دانست و تأکید کرد: برنامه داریم که منابع لازم برای حل مشکلات معیشت مردم را از مسیرهای ممکن تأمین کنیم و به‌حول و قوه الهی این کار را خواهیم کرد. پزشکيان همچنین به برنامه دولت برای انتقال یارانه از ابتدا به انتهای زنجیره مصرف اشاره کرد و گفت: ریشه دزدی، قاچاق و رانت را خشک خواهیم کرد و در این خصوص، اختیارات لازم را به استانداران اعطا کرده‌ایم و برای آنان نیز وظایف روشنی در چارچوب قانون تعیین کرده‌ایم.

وی با تأکید بر اینکه ملت بزرگ ایران اگر با هم باشند، هیچ قدرتی نمی‌تواند آنها را از پای درآورد و زمین‌گیر کند، ادامه داد: اعتراض را نعمت می‌دانیم، وظیفه داریم صدای مردم را بشنومیم اما از تخریب، کشتار و خرابکاری بیزاریم. ایرانی اسلحه به‌دست نمی‌گیرد که هموطن خود را بکشد، ایرانی مسجد را آتش نمی‌زند، ایرانی اموال عمومی کشورش را به آتش نمی‌کشد، ایرانی از دشمن نمی‌خواهد که به آب و خاکش تجاوز کند، هیچ آزاده‌ای حل مشکل داخل را از دشمن طلب نمی‌کند. رئیس‌جمهور تأکید کرد: با تمام وجود برای حل مشکلات کشور آماده هستیم اما راه‌حل مشکلات آتش زدن و پراکندن شایعات دروغ نیست. قدردان حضور و صبر و تحمل ملت ایران و تبعیت آنان از مقام معظم رهبری هستم و همین جا اعلام می‌کنم که شرمنده ملت ایران هستم و عهد می‌کنم که تا جان در بدن دارم، خدمتگزار ملت بزرگ و عزیز ایران باشم.

پزشکيان با اشاره به وحدت و انسجام موجود بین قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح و امنیتی، گفت: درخصوص حوادث اخیر کارگروه‌هایی در استان‌ها تشکیل داده‌ایم که مشکلات را بررسی و شفاف‌سازی کنند؛ باید خطاهای خود را بشناسیم و بپذیریم تا بار دیگر مرتکب آنها نشویم.

مدعی‌العموم و دادستان شاکي پرونده هستند بنابراین فرد خاصی به‌عنوان شاکای خصوصی وجود ندارد. این وکیل دادگستری درباره اینکه آیا تسلیم‌طلبی می‌تواند جرم محسوب شود، گفت: اینها مصادیقی هستند که مبنای حقوقی به‌عنوان اتهام ندارد. مواردی در جراید و رسانه‌ها مطرح شده، باید ببینیم نهایتاً اتهامی تفهیم می‌شود یا نه که بعد بررسی کنیم و ببینیم مصادیقی که آن اتهام را متوجه فرد کرده، چه چیزی بوده است.

کرمانی همچنین اعلام کرد که وکالت علی شکوری‌راد را برعهده دارد اما وکالت فیض‌الله عرب‌سرخی توسط وکلای دیگری پیگیری می‌شود. وی در پاسخ به این پرسش که آیا شکوری‌راد به دلیل فایل صوتی منتشرشده اخیر بازداشت شده یا علت دیگری در میان بوده است، خاطرنشان کرد: برخلاف منصوری و امام که پرونده‌شان در دادگاه امنیت بررسی می‌شود، دادگاه فرهنگ و رسانه به پرونده شکوری‌راد رسیدگی می‌کند که این پرونده هم در مرحله تحقیقات است و هنوز عنوان اتهامی و مصداق جرم را اعلام نکرده‌اند.

در روزهای اخیر انتشار یک فایل صوتی منتسب به علی شکوری‌راد در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های متعدد و متفاوتی را به‌دنبال داشت. برخی رسانه‌ها این فایل را دلیل اصلی بازداشت او عنوان کردند، گرچه وکیل وی تأکید کرده که هنوز عنوان اتهامی به‌طور رسمی اعلام نشده و پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد.

انسجام ملی، موضع‌گیری علیه قانون اساسی، هماهنگی با تبلیغات دشمن، ترویج تسلیم‌طلبی، انحراف گروه‌های سیاسی و ایجاد سازوکارهای مخفی براندازانه» عنوان کرد. فارس همچنین به نقل از یک مقام آگاه نوشت که با وجود «تحمل مواضع انتقادی پیشین» به دلیل «تداوم فعالیت‌های ضدامنیتی این حلقه» برخورد قانونی با آنان صورت گرفته است. در همین حال، مرکز رسانه قوه قضائیه نیز با صدور اطلاعیه‌ای بدون اشاره به نام این افراد از بازداشت «عناصر فعال در راستای منافع رژیم صهیونیستی و آمریکا» خبر داد.

کرمانی، روز گذشته نیز از روند رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با چهره‌های اصلاح‌طلب خبر داد و اعلام کرد که دادگاه‌های متفاوتی مسئول بررسی این پرونده‌ها هستند. به گفته این وکیل دادگستری، برخلاف پرونده‌های آذر منصوری و جواد امام که دادگاه امنیت به پرونده آنها رسیدگی می‌کند، دادگاه فرهنگ و رسانه به پرونده شکوری‌راد رسیدگی می‌کند که این پرونده هم در مرحله تحقیقات است و هنوز عنوان اتهامی و مصداق جرم را اعلام نکرده‌اند.

کرمانی همچنین در گفت‌وگو با آوش درباره زمان برگزاری دادگاه منصوری و امام گفت: هنوز زمان دادگاه مشخص نشده و پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد و مراحل اولیه را طی می‌کند. او در پاسخ به این پرسش که چه فرد یا نهادی شاکای پرونده است، تصریح کرد: جرم عمومی تلقی شده و

وارث اون

دختری که بر تخت رهبری پدر می‌نشیند

گروه بین‌الملل: در اوایل سال ۲۰۲۶ بحث درباره اینکه آیا کیم جو آنه، دختر نوجوان کیم جونگ اون، جانشین پدرش خواهد شد، دیگر یک حدس و گمان ساده نیست و به تمرکز اصلی نهادهای اطلاعاتی بین‌المللی تبدیل شده است. سازمان اطلاعات ملی کره جنوبی تا فوریه ۲۰۲۶ رسماً ارزیابی خود از وضعیت او را ارتقا داد و از پرچسب «در حال آموزش برای جانشینی» به «مرحله جانشین منصوب‌شده» رسید. این تغییر واژه‌ها که در جلسات خصوصی پارلمانی مطرح شد، نشان‌دهنده تصمیم حکومت برای رسمی کردن جایگاه او در «خط خونی پکتو» است. شواهد این تغییر را می‌توان در حضورهای عمومی او دید؛ از بازدیدهای نمادین نظامی تا مشارکت در سیاست‌های سطح بالا، که نشان می‌دهد جو آنه به‌تدریج نقش فعال‌تری در ساختار قدرت پیدا کرده است. از زمان اولین حضورش در سال ۲۰۲۲، او در حدود ۵۰ رویداد رسمی شرکت کرده و فعالیت‌های غیرنظامی‌اش در طول سال ۲۰۲۵ و اوایل ۲۰۲۶ افزایش قابل‌توجهی داشته است. بازدید او در ژانویه ۲۰۲۶ از کاخ خورشید کومسوسان مقبره پدر بزرگش شاید قوی‌ترین سیگنال تاکنون بود زیرا او را مستقیم در زنجیره معنوی و سیاسی بنیانگذاران دولت قرار

می‌دهد و نقش او را در تاریخ کشور پررنگ‌تر می‌کند. ظهور یک رهبر زن در جامعه‌ای عمیقاً پدرسالار مانند کره‌شمالی، تاریخی است اما تحلیلگران معتقدند که در این کشور، اولویت نسب خونی خاندان کیم بر هنجارهای جنسیتی غلبه می‌کند. در الهیات سیاسی کره‌شمالی، مشروعیت از خون و نسب زیستی ناشی می‌شود نه از جنسیت یا سن. معرفی جو آنه در سن کم که حدود ۱۳ سال تخمین زده می‌شود، می‌تواند تلاشی باشد برای جلوگیری از «بحران آمادگی» که پس از مرگ ناگهانی پدر کیم جونگ اون در ۲۰۱۱ رخ داد. این رویکرد به حکومت اجازه می‌دهد، حضور او را میان نخبگان نظامی و مردم عادی‌سازی کند پیش از آنکه انتقال واقعی قدرت رخ دهد. رسانه‌های دولتی نیز با استفاده از عناوینی مانند «شخصیت بزرگ راهنما» جایگاه او را برجسته کرده‌اند، اصطلاحی که پیش‌تر تنها برای رهبر عالی یا وارث آینده به‌کار می‌رفت. درحالی که برخی ناظران، برجستگی او را تاکتیکی می‌دانستند یا آن را بهانه‌ای برای حفاظت از یک وارث مردانه پنهان می‌دانستند، استمرار پروتکل‌هایش از جمله ایستادن جلوتر از پدرش یا همراهی ژنرال‌های ارشد، نشان می‌دهد که حضور او در قدرت به شکل نهادی در حال تثبیت

است و به تدریج به یک نقش واقعی سیاسی تبدیل می‌شود. با این حال، مسیر او به رهبری بدون موانع نیست. قوانین حزب کارگران ایجاب می‌کند، اعضا حداقل ۱۸ سال سن داشته باشند و نهمین کنگره حزب کارگران، که برای اواخر فوریه ۲۰۲۶ برنامه‌ریزی شده، آزمونی مهم برای او خواهد بود. اگر به او عنوان رسمی مانند «دبیر اول کمیته مرکزی» داده شود، موقعیتش به‌عنوان دومین فرد قدرتمند کشور تثبیت خواهد شد. علاوه بر این، نقش «عامل عمه» نیز مطرح است؛ به‌ویژه کیم یو جونگ، خواهر رهبر، که همچنان یک فعال سیاسی قدرتمند است. اگرچه به‌نظر می‌رسد جو آنه وارث انتخاب‌شده باشد، کیم یو جونگ می‌تواند به‌عنوان



«ولیعهد» یا نگهبان او عمل کند تا در صورت انتقال قدرت در زمانی که جو آنه هنوز خردسال است، ثبات را تضمین کند. در نهایت، هرچند کیم جو آنه به مرحله «جانشین منصوب‌شده» رسیده است، صعود کامل او به سلامت پایدار پدرش، توانایی حفظ وفاداری فرماندهان ارشد نظامی و واکنش افکار عمومی بسمتگی دارد. روند فعلی، او را از یک «فرزند محبوب» نمادین به یک بازیگر سیاسی واقعی تبدیل می‌کند و مسیر آینده کره‌شمالی را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد ضمن آنکه نحوه مدیریت جو آنه توسط نخبگان و رسانه‌های دولتی، تصویر آینده سیاست داخلی و خارجی کشور را نیز شکل خواهد داد.

دیپلماسی

دیپلماسی پنهان

درباره سفرهای لاریجانی به مسکو، مسقط و دوحه

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

چند روز گذشته علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، مأموریت دیپلماتیکی را به عمان و قطر به پایان رساند که یکی از حساس‌ترین تحرکات سیاست خارجی تهران در ماه‌های اخیر بود. این سفر دو روزه که میان ۱۰ تا ۱۲ فوریه انجام شد، در امتداد مذاکرات غیرمستقیم ۶ فوریه در مسقط صورت گرفت؛ مذاکراتی که هر دو طرف ایرانی و آمریکایی، آن را «شروعی خوب» توصیف کردند اما در عین حال نشانه‌ای

از شکست‌نگی مسیر گفت‌وگوها نیز به‌شمار می‌رفت. حضور لاریجانی در این مقطع زمانی، جایگاه او را به‌عنوان یک چهره عملگرا و میانجی در ساختار قدرت ایران برجسته کرد؛ فردی که مأموریت یافته است، میان فشار جریان‌های تندرو داخلی و ضرورت فوری رفع تحریم‌ها در پی ناپایداری اقتصادی اوایل ۲۰۲۶ نوعی تعادل شکننده برقرار کند. در مسقط لاریجانی دیداری سه‌ساعته با سلطان هیشم بن طارق در کاخ البرکه داشت؛ دیداری که به‌طور خاص بر ضرورت دستیابی به توافق «متوازن و عادلانه» متمرکز بود. مقامات عمانی در جریان این نشست بر اهمیت بازگشت به

مسیر گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز برای کاهش شکاف رو به گسترش میان تهران و واشنگتن تأکید کردند و نقش سنتی عمان به‌عنوان کانال ارتباطی میان دو کشور بار دیگر برجسته شد. در حاشیه این سفر، انتشار عکسی از لاریجانی در کنار وزیر خارجه عمان، بدر بن حمد البوسعیدی، که سندی در پوشش پلاستیکی در دست داشت، موجی از گمانه‌زنی‌ها را درباره وجود یک پیام مکتوب رسمی برانگیخت. هرچند لاریجانی بعداً توضیح داد که تهران، نامه مستقیمی به آمریکا ارسال نکرده اما تأیید کرد که میانجی‌های عمانی دیدگاه‌ها و پیام‌هایی مشخص از سوی واشنگتن را به تهران منتقل کرده‌اند؛ نشانه‌ای از فعال بودن کانال‌های پشت‌پرده درحالی که عبور از آستانه تعهدات رسمی و مکتوب همچنان برای هر دو طرف خط قرمزی حساس محسوب می‌شود.

لاریجانی ۲۲ بهمن راهی دوحه شد و با امیر قطر و نخست‌وزیر این کشور، محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، دیدار کرد. گفت‌وگوها در قطر صرفاً محدود به پرونده هسته‌ای

نبود و موضوعات گسترده‌تری مانند امنیت منطقه‌ای، همکاری‌های اقتصادی و آینده ترتیبات امنیتی خلیج فارس را نیز در بر گرفت. قطر که میزبان یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه است و در جریان جنگ ۱۲ روزه ایران به یکی از نقاط حساس تبدیل شده بود همچنان نقش یک میانجی سیاسی و لجستیکی کلیدی را ایفا می‌کند. همزمان دیدارهای لاریجانی با رهبران حماس در دوحه و نشست پیشین او در مسقط با محمد عبدالسلام از جنبش انصارالله یمن نشان داد که تهران مذاکرات هسته‌ای را به‌صورت یک پرونده جداگانه دنبال نمی‌کند بلکه آن را در چارچوب وسیع‌تری از هماهنگی با متحدان منطقه‌ای و حفظ نفوذ در



«محور مقاومت» قرار داده است. این رویکرد نشان می‌دهد که هرگونه کاهش تنش احتمالی با آمریکا نباید به تضعیف موضع «دفاع پیشرو» ایران در منطقه منجر شود. همزمان با این تحرکات، انتشار گزارشی مبنی بر دیدار لاریجانی با یک مقام بلندپایه آمریکایی در دوحه، فضای رسانه‌ای را به شدت تحت‌تأثیر قرار داد.

برخی موانع از احتمال دیدار او با جی.دی.ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، سخن گفتند؛ شایعه‌ای که به دلیل سفر همزمان ونس به ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نزدیکی جغرافیایی او به منطقه مطرح شد. پیش‌تر نیز در سفرهای قبلی لاریجانی، ازجمله سفر به روسیه، گزارش‌هایی مشابه درباره تماس‌ها یا گفت‌وگوهای سطح بالا منتشر شده بود که صحت آنها هرگز به‌طور رسمی تأیید نشد. در همین راستا احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار نوشت که لاریجانی در سفر خود به مسکو شاید با میانجی‌گری ولادیمیر پوتین از طریق ویدئوکنفرانس با ترامپ گفت‌وگویی داشته

است. این گمانه‌زنی‌ها هرچند فاقد تأیید رسمی هستند اما نشان‌دهنده اهمیت نقش لاریجانی به‌عنوان کانالی بالقوه برای ارتباطات غیرعلنی در سطح بالا هستند. از منظر تحلیلی، مواضع لاریجانی در جریان این سفرها بازتاب‌دهنده تلاش حساب‌شده‌ای برای چارچوب‌بندی مذاکرات در قالبی بود که فشارهای اسرائیل را از مسیر گفت‌وگوی ایران و آمریکا جدا کند. او با هشدار به واشنگتن درباره «نقش مخرب صهیونیست‌ها» پیش از سفر بنیامین نتانیاهو به آمریکا، سعی کرد مذاکرات را به‌عنوان انتخابی میان ثبات منطقه‌ای و تشدید تنش‌ها ترسیم کند. این رویکرد به‌طور ضمنی بر این فرض استوار است که بخشی از نخبگان آمریکایی ممکن است تمایل داشته باشند، سیاست ایران را از محاسبات اسرائیل مستقل‌تر کنند، هرچند تجربه گذشته نشان داده که پیوندهای راهبردی واشنگتن و تل‌آویو، محدودیت‌های جدی برای چنین تفکیکی ایجاد می‌کند.

در عین حال، اشاره لاریجانی به اینکه آمریکا رویکردی «واقع‌بینانه‌تر» اتخاذ کرده و پرونده هسته‌ای را از مسائل موشکی و منطقه‌ای جدا کرده است، نشانه‌ای از تغییر تاکتیکی در راهبرد تهران محسوب می‌شود. تمرکز بر یک توافق هسته‌ای محدود و مرحله‌ای می‌تواند به ایران امکان دهد در کوتاهمدت به گشایش اقتصادی دست یابد بدون آنکه مجبور شود درباره توان موشکی یا نفوذ منطقه‌ای خود امتیازات گسترده بدهد. با این حال، مواضع رسمی واشنگتن نشان می‌دهد که آمریکا همچنان تمایل دارد در نهایت دامنه مذاکرات را به موضوعات موشکی و رفتار منطقه‌ای نیز گسترش دهد؛ موضوعی که می‌تواند مسیر مذاکرات را پیچیده‌تر و پرتنش‌تر کند.

در همین چارچوب، اظهارات ترامپ پس از دیدار با نتانیاهو و اشاره او به «فرصت یک‌ماهه» برای دستیابی به توافق با ایران، نشان‌دهنده فشار زمانی و فضای پریسک پیرامون گفت‌وگوهاست. این بازه زمانی کوتاه، چه به‌عنوان یک تاکتیک فشار و چه به‌عنوان یک ضرب‌الاجل واقعی بر شکست‌نگی مسیر دیپلماسی تأکید می‌کند. اگر مذاکرات در این بازه به نتیجه نرسد، گزینه‌های جایگزین از تشدید تحریم‌ها تا سناریوهای نظامی محدود می‌توانند بار دیگر به دستورکار بازگردند؛ درحالی که دستیابی به یک توافق حتی محدود نیز می‌تواند، تنش‌ها را دست‌کم برای مدتی کاهش دهد.

نظامی

تحرکات نظامی آمریکا در منطقه

ناو جرادفورد به منطقه اعزام شد

خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش کرده است که به «بزرگ‌ترین ناو هواپیمابر جهان دستور داده شده تا از دریای کارائیب به سمت خاورمیانه حرکت کند».

این خبرگزاری به نقل از یک منبع در وزارت جنگ آمریکا نوشت که حرکت ناویواس‌اس جرال‌آر. فورد به سمت خاورمیانه در راستای «بررسی‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده برای احتمال اقدام نظامی علیه ایران است». شبکه سی‌بی‌اس، شریک خبری بی‌بی‌سی در آمریکا هم این خبر را به نقل از سه مقام آمریکایی تأیید کرده و نوشته است: «انتظار می‌رود ناو هواپیمابر یواس‌اس جرال‌آر. فورد و کشتی‌های اسکورت آن از کارائیب به خاورمیانه اعزام شوند». سی‌بی‌اس گزارش کرده که «ناو هواپیمابر فورد، که پیشرفته‌ترین ناو هواپیمابر نیروی دریایی است، قرار است به ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن و گروه ضربت آن که اواخر ماه گذشته وارد خاورمیانه شد، بپیوندد». آسوشیتدپرس نوشته است که حرکت ناو یواس‌اس جرال‌آر. فورد، یک جابه‌جایی سریع برای این ناو به‌شمار می‌رود زیرا ترامپ در اکتبر سال گذشته میلادی و در راستای حمله غافلگیرانه ماه گذشته که منجر به دستگیری نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور وقت ونزوئلا شد، آن را از دریای مدیترانه به کارائیب فرستاده بود و اکنون این ناو در حال حرکت به سمت خاورمیانه است. چند روز پیش هم جی.دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا با اشاره به حرکت دومین ناو هواپیمابر ایالات متحده به سوی منطقه گفته بود که اولویت اول آمریکا رسیدن به توافق با ایران است اما افزود که ترامپ همه گزینه‌ها را بررسی خواهد کرد. پیش‌تر وال‌استریت ژورنال نیز نوشت که پنتاگون به ناوگروه هواپیمابر «یواس‌اس جورج اچ. دبلیو. بوش» دستور داده برای احتمال اعزام به غرب آسیا آماده شود. این ناو آخرین نسل ناوهای کلاس نیمیتز و نام‌گذاری شده به افتخار چهل‌ویکمین رئیس‌جمهور آمریکا، با ترکیبی از جنگنده‌ها، هلیکوپترها و پهپادها، نقش ستون فقرات نیروی دریایی آمریکا در مأموریت‌های جهانی را ایفا می‌کند.





سال نهم شماره ۲۱۸۲
شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴

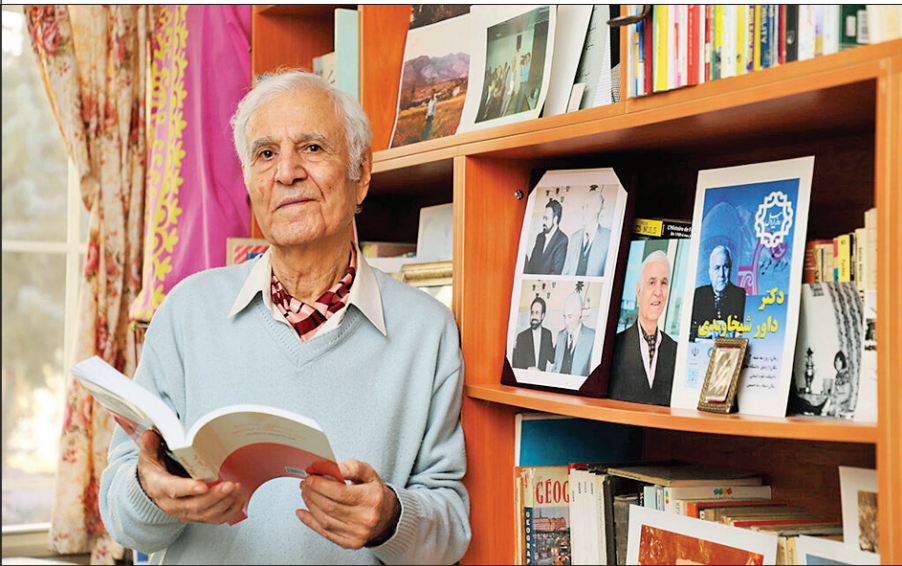
کافه

تازه‌های ادب و هنر

یاد

جامعه‌شناس الگو

داور شیخاوندی از نسل اول جامعه‌شناسان ایرانی درگذشت



بنیان‌گذار آموزش و پرورش تطبیقی

داور شیخاوندی، سال ۱۳۱۲ در اردبیل متولد شد. تحصیلات خود را در این شهرستان آغاز و پس از آن در تهران دیپلم ادبی خود را اخذ کرد. سال ۱۳۳۸ در دانشسرای عالی، در رشتهٔ زبان فرانسه و علوم تربیتی فارغ‌التحصیل شد، سپس از ادارهٔ آموزش و پرورش وقت بورسیه فرانسه دریافت کرد و پس از حضور در فرانسه مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه سوربن اخذ و سال ۱۳۵۳ دکترای خود را در رشتهٔ برنامه‌ریزی اجتماعی و نیروی انسانی از دانشگاه سوربن دریافت کرد. از سال ۱۳۵۰ به عنوان عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی وزارت علوم به این مؤسسه منتقل شد و تا سال ۱۳۵۷ به عنوان عضو هیأت علمی آن‌جا فعالیت کرد. هم‌زمان با فعالیت در این مؤسسه، به عنوان هیأت علمی مدعو به دانشگاه کلمبیا در نیویورک دعوت شد. شیخاوندی را می‌توان نخستین کسی دانست که در زمینهٔ آموزش و پرورش تطبیقی گام‌های مهمی را در ایران برداشت.

پاسخ خردمندان به بحران‌های دوران ساز

«زایش و خیزش ملت»، «۲۰۰ سال انقلاب فرانسه»، «جامعه‌شناسی تجدد ماکس وبر؛ جادوزادی از جهان»، «پزشکی آفت‌زا و دردهای جامعه»، «ده مقاله از مارکس و انگلس»، «تکوین و تکوین هویت ایران»، «ناسیونالیسم و هویت ایرانی»، «مدرسه‌زدایی از جامعه»، «فرهنگ و آموزش در چین»، «جامعه‌شناسی سیاسی شناخت دولت» و «سرگذشت یک خانواده مبارز» از جمله آثار تألیفی یا ترجمه شده توسط زندیاد داور شیخاوندی هستند.

به اعتقاد دکتر داور شیخاوندی زایش جامعه‌شناسی، همانند بسیاری از زایمان‌های طبیعی و جامعه‌ی، با تکان و تکلیو، با درد و رنج، با اشک و آه و حتی با خون و آتش همراه بوده است. او در مقدمهٔ کتاب «جامعه‌شناسی تجدد ماکس وبر» می‌نویسد: «در عصر جدید، به دنبال اصلاحات دینی، انقلابات سیاسی-جامعه‌ی، فنی و تحرکات و تشنجات عظیم طبقاتی، اخلاقی و اقتصادی، بحران‌های عدیدهای در جوامع غربی پدیدار گشته، اندیشه‌ورزان را به کنکاش و کاوش در ریشه و خاستگاه پدیده‌ها واداشته‌اند. «جامعه‌شناسی» یک پاسخ خردمندان به بحران‌های دوران‌ساز جوامع غربی بوده است... در جریان «شدن» تاریخ، بسیاری از مشروعبت‌ها و دوام یک‌پارچگی جامعه منوط و مدیون دین یا سنت بوده است. مشروعبتی که دین به نظام‌های جامعه‌ی تقبذ می‌کند تحت‌تأثیر مکانیسم نسبتاً ساده‌ای عمل می‌نماید... بحران جهان متجدد، در پی فروپاشیدن وحدت قرون میانی، تکه و پاره‌شدن یک‌پارچگی ارضی مسیحیت و خیزش قدرت خانواده‌های برخاسته از بطن فتودالیسم پدید آمد و به تضعیف تدریجی پایه‌های دینی منجر گردید. بدین‌سان، راه برای تکوین تجدد گشوده شد و در پیامد آن، بحران مشروعبت دینی به سپهر دولتی نیز بسط یافت و سرانجام به‌عنوان یک پدیدهٔ واگیر، همهٔ نهادهای جامعه‌ی را دربرگرفت. با تزلزل ارکان باورها، در مسلمات جامعه‌ی تردید پدید آمد و به‌تدریج شک و شبهه در بی‌عیب و نقص بودن «نظم راستین» حدّت و قوّت گرفت. به دنبال چنین حال و هوایی، هوشمندترین افراد درگیر در مشکلات مسایلی طرح کردند و به‌چاراندیشی پرداختند... حدیث جامعه‌شناسی، حدیث جامعهٔ بحران‌زده است.»

داور شیخاوندی، جامعه‌شناس، استاد دانشگاه و نویسنده و مترجم، ۲۱ بهمن در تهران درگذشت. او از نسل اول دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی در ایران و دارای دکترای برنامه‌ریزی اجتماعی از دانشگاه سوربن فرانسه بود. شهلا اسلامی، همسر دکتر شیخاوندی عصر پنج‌شنبه در گفت‌وگو با نقد اندیشه گفت: «ایشان سوم دی به دلیل حادثهٔ شکستگی لگن برای جراحی در بیمارستان ایران‌شهر بستری شدند، اما بعد از مرخصی، مجدداً با تشخیص عفونت ریه به بخش مراقبت‌های ویژه انتقال یافتند. به تدریج دچار مشکلات دیگری مانند افت هموگلوبین، مشکل کلیوی، کاهش سطح هوشیاری و وجود آمد و در روزهای آخر به کمک دستگاه ونتیلاتور تنفس می‌کرد. هم‌چنین دکتر شیخاوندی دچار بیماری آلزایمر بود که با کمک دارو این بیماری کنترل می‌شد.»

روایت فکوهی از خدمات شیخاوندی

ناصر فکوهی با اعلام این خبر در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «دکتر شیخاوندی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌های جامعه‌شناسی چند دهه گذشته در ایران به‌شمار می‌آمد؛ دوستی عزیز و استادی خستگی‌ناپذیر که عضو پیشکسوت انجمن جامعه‌شناسی ایران بود و بیش از دو دهه نیز در شورای عالی مؤسسهٔ انسان‌شناسی و فرهنگ حضور داشت. دکتر شیخاوندی از ابتدای فعالیت‌های ما در این مؤسسه، همواره در کنارمان و در صف اول هرگونه برنامه دواطلبانه آموزشی و فرهنگی قرار داشت و در طول سال‌ها فعالیت در دانشگاه و در حوزهٔ انتشار نوشته‌ها و ترجمهٔ کتاب‌های جامعه‌شناسی خدمات بی‌شماری به این علم کرد. از جمله دستاوردهای مهم وی گسترش حوزهٔ جامعه‌شناسی، ترویج این علم در ایران و آشنا کردن نخبگان و جوانان با ارزش و اهمیت آن، و به ویژه با شاخه آسیب‌های اجتماعی در ایران بود. از دستاوردهای دیگر او باید به آشنا کردن خوانندگان و دانشجویان علاقمند با آثار ارزشمند ایوان ایلیچ، جامعه‌شناس بزرگ اثریشی، اشاره کرد. شیخاوندی چند دهه پیش، کتاب‌های متعددی از ایلیچ را شامل تفدهای مهم وی در زمینه خطرات رویکرد استبدادی در مدرسه، مصرف بی‌رویه انرژی و پزشکی کردن جامعه مدرن، به فارسی برگرداند. دکتر شیخاوندی شخصیتی جذاب و دوست‌داشتنی بود که موسسهٔ ما نه تنها افتخار عضویت وی را در شورای عالی خود داشت، بلکه در چارچوب پروژهٔ تاریخ شفاهی فرهنگ مدرن ایران نیز، یک جلد به زندگی و آثار وی اختصاص داده شد و گفت‌وگویی طولانی با وی انجام دادیم که کتاب آن در دست انتشار است. در میان بزرگان علوم اجتماعی کشور ما، سخت‌کوشی و پایداری وی در علم جامعه‌شناسی و همچنین در علوم تربیتی، عشقش به فرهنگ و دانش ایران و زندگی ساده‌ای که با رسم و سبک یک معلم تا به آخر در راه آزادی و شکوفایی کشورش پی گرفت، ستودنی است. دکتر شیخاوندی در کنار عشقش به ایران، دلبستگی خاصی نیز به فرهنگ و مردمان شهر زادگاهش، اردبیل، داشت. در یک کلام شیخاوندی با زندگی و دستاوردهای علمی خود، الگویی به‌یادماندنی برای فرهنگ دانشگاهی ما شمرده می‌شد و می‌شود. باشد که یاد و خاطره‌های خوب و حاصل پُر بار زندگی‌اش همواره پرشور و زنده و در تاریخ این پهنه، برجای بمانند.»

مرز دانش و ایدئولوژی

نظریه‌های منفی‌باف خواننده را به بازاندیشی دربارهٔ مبانی فکری جهان معاصر فرا می‌خواند

طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار



کتاب «نظریه‌های منفی‌باف: چگونه پژوهش - کنشگری همه‌چیز را به نژاد، جنسیت و هویت ربط می‌دهد - و چرا این مسأله به ضرر همه است» نوشتهٔ هلن پلاکرز و جیمز لینزی، یکی از بحث‌برانگیزترین آثار حوزهٔ نقد فرهنگی در سال‌های اخیر است؛ اثری که می‌کوشد تصویری تاریخی و تحلیلی از مسیری ارائه دهد که به‌زعم نویسندگان، از پست‌مدرنیسم فلسفی آغاز شده و به شکل‌گیری نوعی «ایدئولوژی عدالت اجتماعی» در فضای دانشگاهی و عمومی امروز انجامیده است. این کتاب نخستین‌بار در سال ۲۰۲۰ توسط انتشارات پیچ‌استون منتشر شد و در ایران با ترجمهٔ مسعود یوسف حصیرچین از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه در دسترس خوانندگان قرار گرفته است. هلن پلاکرز، متولد ۱۹۷۴، نویسنده و فعال فرهنگی بریتانیایی است که به سبب نقد نظریهٔ انتقادی و دفاع از اخلاق لیبرال شهرت یافته است. او ویراستار مجلت «آریو» بوده و مقالات متعددی در زمینه پست‌مدرنیسم، لیبرالیسم، سکولاریسم و فمینیسم نوشته است. جیمز لینزی نیز با پیشینه‌ای در ریاضیات و فیزیک، در سال‌های اخیر به عنوان منتقد جریان‌های هویتی و تحلیل‌گر پدیده‌های اقتدارگرایی شناخته می‌شود. این دو پیش‌تر با پروژه‌ای موسوم به «امور مطالعات شکوه» در سال ۲۰۱۸ خبرساز شدند؛ پروژه‌ای که هدف آن نقد روش‌شناسی برخی حوزه‌های مطالعاتی بود و بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی داشت.

پست‌مدرنیسم کاربردی

پلاکرز و لینزی در این اثر کوشیده‌اند فراتر از یک نقد سیاسی روزمره حرکت کنند و تبارشناسی فکری جریان‌ی را بازسازی کنند که به باور آنان، اکنون به گفتمان غالب در بسیاری از دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی غرب بدل شده است. آنان برای توصیف این جریان از اصطلاح «نظریه به عدالت اجتماعی انتقادی» یا «پست‌مدرنیسم کاربردی» استفاده می‌کنند؛ مفهومی که به‌زعم‌شان نشان می‌دهد چگونه ایده‌هایی که زمانی در سطح نظریه‌های پیچیده فلسفی مطرح بودند، امروز در قالب سیاست هویت و کنشگری فرهنگی به عرصه عمومی راه یافته‌اند.

دیدگاه: یادداشت روز

تسویه حساب روی پرده

درباره «اردوبهشت»؛ که با حمایت شهرداری تهران ساخته شد

فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

مؤسسه تصویر شهر، به‌عنوان یکی از نهادهای فرهنگی وابسته به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، در سال‌های اخیر نقش فعالی در حمایت از تولید آثار سینمایی ایفا کرده است. این مؤسسه که علاوه بر مدیریت پردیس‌های سینمایی مانند ملت، در حوزه تولید و حمایت از فیلم‌های بلند سینمایی نیز فعالیت می‌کند، در چهل‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر (برگزار شده از ۱۲ تا ۲۲ بهمن ۱۴۰۴) حضوری قابل‌توجه داشت. براساس گزارش‌ها، مؤسسه تصویر شهر عمدتاً از چهار فیلم کلیدی جشنواره حمایت کرد یا در تولید آنها مشارکت داشت. «قایق‌سوار»ی در تهران» به کارگردانی رسول صدرعاملی، «نیم‌شب» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و «اردوبهشت» به کارگردانی محمد داودی و هرچند برخی گزارش‌ها به فیلم چهارم هم اشاره دارند که «سرزمین فرشته‌ها» به کارگردانی بابک خواجه‌پاشا با تهیه‌کنندگی (منوچهر محمدی)، محصول مشترک این نهاد با مؤسسه سوره حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی است. محصولات این مؤسسه نشان‌دهنده تمرکز بر سینمای اجتماعی-واقع‌گر با الهام از وقایع واقعی است. مؤسسه تصویر شهر در این دوره جشنواره با حمایت مالی و تولیدی از آثار منتخب، عمدتاً در بخش سودای سیم‌خ (مسابقه اصلی) شرکت کرد. این حضور بخشی از استراتژی گسترده‌تر شهرداری تهران برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی در

ساختار کتاب بر یک تقسیم‌بندی سه‌مرحله‌ای استوار است. مرحلهٔ نخست، به بررسی آنچه نویسندگان «پست‌مدرنیسم والا» می‌نامند اختصاص دارد. در این بخش، آنان به سراغ متفکرانی چون میشل فوکو، ژاک دریدا، ژان فرانسوا لیوتار و دیگر پساساختارگرایان فرانسوی می‌روند و نشان می‌دهند مفاهیمی چون شک‌گرایی نسبت به حقیقت عینی، نسبی‌گرایی معرفتی، نقد کلان‌روایت‌ها و تمرکز بر رابطه دانش و قدرت، چگونه بنیان‌های فکری این جریان را شکل داد. به اعتقاد پلاکرز و لینزی، این رویکردها هرچند در آغاز بیشتر جنبهٔ فلسفی و انتقادی داشتند، اما ب‌در نوعی بدبینی بنیادین نسبت به امکان حقیقت مشترک و جهان‌شمول را در خود حمل می‌کردند. مرحلهٔ دوم که نویسندگان آن را «پست‌مدرنیسم کاربردی» می‌نامند، به انتقال این مفاهیم از حوزهٔ فلسفهٔ نظری به قلمرو علوم انسانی و مطالعات اجتماعی می‌پردازد. در اینجا نظریه با سیاست و اخلاق درهم می‌آمیزد و رشته‌هایی چون نظریه انتقادی نژاد، مطالعات جنسیتی، نظریت کوئیر و مطالعات پسااستعماری شکل می‌گیرند یا گسترش می‌یابند. پلاکرز و لینزی استدلال می‌کنند در این مرحله، تمرکز از تحلیل گفتمان و نقد مفاهیم به سوی کنشگری مستقیم و تلاش برای تغییر ساختارهای اجتماعی حرکت می‌کند. به باور آنان، این تغییر جهت سبب می‌شود پژوهش علمی از جست‌وجوی بی‌طرفانه حقیقت فاصله بگیرد و به ابزاری برای تحقق اهداف هنجاری بدل شود. مرحلهٔ سوم، که از دید نویسندگان مهم‌ترین و در عین حال نگران‌کننده‌ترین مرحله است، ظهور چیزی است که آن را «اندیشه عدالت اجتماعی» می‌نامند. در این وضعیت،



نظریه‌های منفی‌باف

هلن پلاکرز، جیمز لینزی
ترجمهٔ مسعود یوسف
حصیرچین
کتاب پارسه
۴۵۶ صفحه
۷۳۵۰۰۰ تومان

سطوح مختلف است. شهردار تهران، با پس‌زمینه سیاسی اصولگرا، بر تقویت تولیدات فرهنگی با محوریت مسائل شهری و اجتماعی تأکید دارد، که این امر مؤسسه تصویر شهر را به یکی از بازیگران کلیدی سینمای ایران تبدیل کرده است.

برآورد هزینه‌ها و مقایسه با دیگر نهادها

با توجه به ظاهر پروژه‌ها و حضور بازیگران سرشناس، برآورد سرانگشتی هزینه‌های صرف‌شده برای فیلم‌های مورد حمایت مؤسسه تصویر شهر (سه فیلم اصلی) بیش از شش تولید بنیاد سینمایی فارابی به‌نظر می‌رسد. فارابی، به‌عنوان یکی از نهادهای دولتی سینمایی، معمولاً بر تولیدات کم‌هزینه‌تر تمرکز دارد، درحالی‌که مؤسسه تصویر شهر، امکان سرمایه‌گذاری بیشتری دارد. با این حال، نمی‌توان این فعالیت‌ها را صرفاً فرهنگی توصیف کرد و به‌نوعی اهداف سیاسی در محتوای تولیدات نهادهای تصویر شهر در این آثار برجسته است. بررسی محتوای فیلم‌ها، به‌ویژه «اردوبهشت»، می‌تواند نشان‌دهنده دلایل ورود شهرداری به حوزه تولیدات سینمایی باشد.

اردوبهشت به کارگردانی محمد داودی، نخستین تجربه کارگردانی که نویسنده آثاری مانند «قصر شیرین» است با فیلم‌نامه مشترک او و کاظم دانشی با حمایت مؤسسه تصویر شهر و بیستامادی تولید شده و براساس حادثه واقعی غرق شدن شش دانش‌آموز دختر در دریاچه پارک‌شهر تهران به همراه قایقران در اردیبهشت ۱۳۸۱ (معروف به پرونده «نیلوفران آبی») ساخته شده است. بازیگران اصلی شامل حامد بهداد (در نقش شاه‌مهدی، پدر



سال نهم شماره ۲۱۸۲
شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴

جشنواره فیلم فجر

ستاره‌های غایب

جشنواره چهل‌وچهارم چگونه پایان یافت؟

امید ذاکری‌نیا

گروه فرهنگ



پرحاشیه‌ترین جشنواره فیلم‌فجر در حالی شب ۲۲ بهمن در سالن قدیمی تالار وحدت تهران به‌پایان رسید که سالن مراسم خالی از ستاره‌های سینمای ایران بود. جشنواره‌ای که با حضور حداقلی عناصر نامدار سینمای ایران آغاز شده بود، پایانی نیز پر حرف و حدیث داشت.

چیزی عوض نشده

«خم به ابرویستان نیاورید، خیلی‌زود برمی‌گردند. آنها به استراحت نیاز داشتند و مدل استراحت بعضی‌ها فرق دارد»، محمدرضا شهیدی‌فر که از اوایل دهه ۹۰ مجری اول برگزارکنندگان برای اجرای مراسم اختتامیه بوده، این حرف‌ها را سه سال پیش و در آخرین شب جشنواره فجر درباره غیبت سینماگران و ستاره‌ها به زبان آورد اما از آن زمان تا امروز، چیزی عوض نشده و اگر هم اتفاقی افتاده، در راستای جدایی هرچه بیشتر و عمیق‌تر میان جامعه سینما و بخش فرهنگی حاکمیت بوده است. در جشنواره فجر ۱۴۰۱ که در گرماگرم حوادث و اتفاقات مربوط به مهسا (ژینا) امینی رقم خورد نیز تعدادی از مطرح‌ترین چهره‌ها حضور پیدا نکردند. پژمان جمشیدی که برای فیلم «یادگار جنوب» برنده جایزه بهترین بازیگر مکمل مرد شد، در ترافیک ماند و به مراسم نیست و علی نصیریان هم که برنده بهترین بازیگر نقش اول مرد از نگاه مردم شده بود، طبق اعلام قبلی در مراسم حاضر نشد. با این‌حال آنچه در جشنواره چهل‌وچهارم رخ داد در تاریخ این جشنواره قدیمی منحصره‌فرد بود؛ بسیاری از فیلمسازان و عوامل و بازیگران از همان ابتدا در جشنواره حاضر نشدند و برخی نیز از حضور در نشست‌ها و مراسم اختتامیه سر باز زدند، با این تفاوت که این‌بار شهیدی‌فر به‌جای ترافیک! بهانه تازه‌ای را برای عدم حضور برندگان سیم‌رخ در جشنواره مطرح کرد: «آنها سر صحنه فیلمبرداری هستند».

رئیس‌جمهور مهمان جشن بدون ستاره

مسعود پزشکیان درحالی که مراسم اختتامیه جشنواره فجر در حال برگزاری بود، سرزده و بدون اطلاع قبلی به محل مراسم آمد؛ آن‌هم در شبی که اهالی سینما که در اصل میزبانان این جشن محسوب می‌شوند، در تالار وحدت حضور نداشتند. موضوعی که باعث شد رئیس‌جمهور روی صحنه مراسم پایانی، از این رفتار گلایه کند: «بسیاری از شب‌ها از شدت نگرانی خواب نمی‌برد و از اینکه به چنین وضعیتی رسیده‌ایم، ناراحت هستم، اما چاره‌ای جز ماندن، تلاش کردن و ساختن کشور نداریم. قهر کردن و میدان دادن به کسانی که از آن سوی مرزها به دشمن اجازه می‌دهند به خاک ایران تعرض کنند، نامردی و رویکردی نادرست و غیرمنصفانه است. از هنرمندانی که با وجود فشارها و دشواری‌ها ایستاده‌اند و در صحنه حضور دارند، صمیمانه تشکر می‌کنم و معتقدم نقش آنان در حفظ امید، همبستگی و تقویت روحیه ملی، نقشی تعیین‌کننده و ماندگار است». اما یک مشکلی وجود داشت؛ دست‌کم در سالن، کمتر هنرمند سینماگری حضور داشت که حرف‌های رئیس‌جمهور بتواند برایش تأثیرگذار باشد. بی‌تردید جشنواره چهل‌وچهارم چه از نظر کیفیت آثار و چه از نظر حضور چهره‌های نامدار و مورد توجه سینمای ایران، یکی از متفاوت‌ترین و احتمالاً ضعیف‌ترین دوره جشنواره فیلم‌فجر از آغاز تاکنون باشد.

نکات مثبت و منفی

در سال ۱۴۰۱ که جشنواره تحت‌تأثیر حوادث کشور قرار



سبب شده کتاب فراتر از محافل دانشگاهی، در میان روزنامه‌نگاران، سیاست‌مداران و خوانندگان علاقه‌مند به مباحث فرهنگی نیز مورد توجه قرار گیرد. انسجام روایی و حرکت تدریجی از تاریخ اندیشه به نقد وضعیت معاصر، از دیگر نقاط قوت اثر به شمار می‌آید.

با این حال، کتاب از همان زمان انتشار با واکنش‌های انتقادی نیز روبه‌رو شد. برخی منتقدان معتقدند پلاک‌رز و لیتزی در ترسیم تصویر کلی از «نظریه عدالت اجتماعی» گاه دچار تعمیم‌های گسترده می‌شوند و طیف متنوع دیدگاه‌های موجود در مطالعات انتقادی را به یک جریان واحد فرو می‌کاهند. از نگاه این منتقدان، دفاع نویسندگان از لیبرالیسم کلاسیک نیز خالی از جهت‌گیری ایدئولوژیک نیست و خود نیازمند نقد و بازاندیشی است. با وجود این، حتی منتقدان کتاب نیز اذعان دارند که اثر حاضر توانسته بحثی جدی درباره نسبت دانش، قدرت و عدالت در جهان معاصر برانگیزد. در ایران، انتشار این کتاب در شرایطی صورت گرفته که مباحث مربوط به سیاست هویت، عدالت اجتماعی و نسبت علوم انسانی با کنشگری سیاسی، هرچند با زمینه‌ای متفاوت، موضوع گفت‌وگوهای فکری است.

در مجموع، «نظریه‌های منفی‌یاف» کتابی است که پیش از آنکه بخواهد پاسخی نهایی ارائه دهد، قصد دارد پرسش‌هایی اساسی را پیش روی خواننده بگذارد: مرز میان پژوهش و کنشگری کجاست؟ آیا می‌توان بدون توسل به معیارهای مشترک عقلانی از عدالت سخن گفت؟ چه نسبتی میان هویت فردی و حقیقت عینی برقرار است؟ و آیا دفاع از آزادی بیان در دوران حساسیت‌های هویتی ممکن است؟ این کتاب، خواه با آن مدل باشیم یا منتقدش، ما را به بازاندیشی درباره مبانی فکری جهان معاصر فرا می‌خواند. در دورانی که واژه‌هایی چون «عدالت»، «هویت»، «قدرت» و «تبعیض» به بخشی از زبان روزمره سیاست و فرهنگ بدل شده‌اند، بازگشت به ریشه‌های نظری این مفاهیم ضرورتی انکارناپذیر است. پلاک‌رز و لیتزی با روایتی مستند و استدلالی، کوشیده‌اند سهم خود را در این گفت‌وگو ایفا کنند؛ گفت‌وگویی که بی‌تردید همچنان ادامه خواهد داشت.

تسلط او بر روی نقش را نشان می‌داد. شهرام حقیقت‌دوست نیز در یکی از بهترین بازی‌های خود، بازی متفاوتی ارائه می‌دهد و به همین دلیل توانست سیم‌رخ بهترین نقش مکمل مرد را از آن خود کند.

فیلم «اردوبهشت» ضمن بیان پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و اداری این فاجعه، ابعاد پنهان و مسئولیت‌های نهادی مانند شهرداری را بررسی می‌کند. البته که در سال‌های اخیر، نقد گذشته سیاسی کشور به یکی از ابزارهای مهم رقابت و بازتعریف جایگاه بازیگران سیاسی تبدیل شده است. در این میان، گویی ماهیت سیاسی فیلم بر بازخوانی انتقادی دوران اصلاحات یکی از درخشان‌ترین مقاطع سیاسی پس از انقلاب بنا شده است. این رویکرد را می‌توان تلاشی برای هموارسازی مسیر سیاسی و تثبیت گفتمان مورد نظر جایی مانند شهرداری تهران نیز دانست؛ رویکردی که تنها به سطح سخنرانی‌ها و مواضع سیاسی محدود نمانده و در حوزه مدیریت شهری و تولیدات فرهنگی نیز نمود یافته است. در عین حال، شیوه سیاست‌ورزی که فیلم مدنظر دارد را می‌توان نمونه‌ای از تلاش برای مدیریت روایت برای عرصه عمومی دانست؛ تلاشی که نشان می‌دهد رقابت سیاسی در دوران جدید بیش از هر زمان دیگری به میدان معنا، تصویرسازی و گفتمان‌سازی فرهنگی منتقل شده است.

اردوبهشت سیاسی

از منظر سیاسی، فیلم به دوره زمامداری اصلاح‌طلبان اشاره دارد و نتیجه‌گیری بر قانون‌گریزی شهرداری در آن دوران می‌پردازد. جایی در حاشیه، تصویری تار از «کارگزاران» نشان داده می‌شود تا مخاطب را به یاد شورای شهر جنجالی اول (متشکل از مشارکت، کارگزاران و روحانیون مبارز، نزدیک به اصلاح‌طلبان) بیندازد که سرانجام به انحلال شورا منجر شد. مونولوگ شش‌مهدی در دادگاه نهایی، نشانه‌ای از نشانه‌گرفتن عملکرد مدیرانی است که حتی لایروبی دریاچه پارک شهر را انجام نداده بودند. همچنین، در گزارش تلویزیونی فیلم، به انحلال شورای شهر، حس تسویه‌حساب سیاسی را چندبرابر می‌کند. تولید این فیلم با حمایت مؤسسه وابسته به شهرداری تهران، سوالانی درباره نقدها و رقابت‌های سیاسی روی پرده سینما مطرح می‌کند.

به‌زعم آنان، دیگر با نسبی‌گرایی صرف مواجه نیستیم، بلکه با نوعی جزم‌اندیشی اخلاقی روبه‌رو هستیم که خود را برتر از هر نقدی می‌داند. در این گفتمان، هویت فردی -تزدی، جنسیتی، قومی یا جنسی- به منبع اصلی مشروعیت اخلاقی تبدیل می‌شود و تجربه زیسته جای استدلال عقلانی را می‌گیرد. مخالفت با روایت‌های پذیرفته‌شده، نه صرفاً اختلاف‌نظر، بلکه نشانه‌ای از هم‌دستی با ساختارهای سرکوب تلقی می‌شود.

دفاع از لیبرالیسم کلاسیک

نویسندگان با آوردن نمونه‌هایی از فضای دانشگاهی آمریکا و بریتانیا، از برنامه‌های آموزشی تا جنجال‌های رسانه‌ای و آنچه «فرهنگ لغو» نامیده می‌شود، می‌کوشند نشان دهند این اندیشه چگونه به محدود شدن آزادی بیان و تضعیف گفت‌وگوی آزاد انجامیده است. به باور آنان، در برخی موارد معیار حقیقت جای خود را به معیار هویت داده و ارزش گزاره‌ها نه بر اساس شواهد، بلکه بر پایه موقعیت گوینده سنجیده می‌شود. از نظر پلاک‌رز و لیتزی، چنین روندی در نهایت به زیان همان آرمان عدالت است که مدعی دفاع از آن است. در برابر این جریان، کتاب به صراحت از سنت لیبرالیسم روشنگری دفاع می‌کند. عقلانیت، جهان‌شمولی، اصالت‌فرد، آزادی بیان و گفت‌وگوی آزاد، ستون‌های اصلی استدلال نویسندگان را تشکیل می‌دهند. آنان معتقدند هرچند سنت لیبرالی غرب بی‌نقص نبوده و در تاریخ خود خطاها و تبعیض‌هایی داشته است، اما ابزارهای اصلاح و پیشرفت نیز از دل همین سنت برآمده‌اند. به تعبیر آنان، کنار گذاشتن معیارهای مشترک عقلانی و جایگزینی آن با نسبی‌گرایی هویتی، نه‌تنها به همبستگی اجتماعی کمکی نمی‌کند، بلکه شکاف‌ها را عمیق‌تر می‌سازد.

از نظر سبک و شیوه نگارش، «نظریه‌های منفی‌یاف» زبانی روشن و ساختاری منظم دارد. نویسندگان کوشیده‌اند مفاهیم پیچیده فلسفی را برای مخاطب عمومی قابل‌فهم کنند و از افتادن در دام اصطلاحات دشوار و زبان تخصصی پرهیز کرده‌اند. همین ویژگی



یکی از قربانیان)، شهرام حقیقت‌دوست، ستاره پسیانی، تورج الوند، علیرضا خمسه و اصغر همت هستند.

فیلم «اردوبهشت» با مدت زمان حدود ۱۳۰ دقیقه، لوکیشن‌های شهری متعدد و بازیگران مطرح، هزینه‌ای قابل‌توجه در بخش تولید و پس‌تولید داشته است. این فیلم یکی از آثار اجتماعی تلخ در میان سایر آثار حاضر در جشنواره است. داستان روایت عدالت‌جویی یک پدر کارگر (شاهمهدی)، با بازی حامد بهداد) پس از مرگ دخترش در حادثه غرق شدن هنگام اردوی دانش‌آموزی را نشان می‌دهد. هرچند که در این فاجعه اندوهناک شش کودک غرق شدند اما بنا بر فیلمنامه، یک کودک دیگر به‌نام نیلوفر که فرزند حامد بهداد و ستاره پسیانی است، درحالی که زنده از آب بیرون آمده بود، یکی از پاهایش به دلیل برخورد با پره‌های قایق را از دست می‌دهد و بر اثر خونریزی و اهمال‌کاری فوت می‌کند. یکی از نقاط قوت فیلم، انتخاب گروه بازیگران است؛ حامد بهداد در یکی از بهترین نقش‌آفرینی‌های سال‌های اخیرش ظاهر شده و صحنه‌های مونولوگ‌های طولانی‌اش در دادگاه، بازی کنترل‌شده و



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

میان امیدوهراس

بازار سهام را کدام نیروها هدایت می کنند؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام این روزها در میانه دو نیروی متضاد، میان امید دیپلماسی و هراس از ریسک‌های منطقه‌ای معلق مانده است. بورس تهران هفته گذشته را با دو چهره متفاوت پشت‌سر گذاشت؛ دو روز نخست با صعود شاخص کل و بازگشت نسبی خوش‌بینی آغاز شد، اما در ادامه، فشار فروش و عقب‌نشینی از قله، ورق را برگرداند و در نهایت بازدهی هفتگی را منفی کرد. شاخص کل که پس از لمس ارتفاع چهار میلیون و ۴۹۱ هزار واحدی در ۲۹ دی‌ماه، تحت‌تأثیر افزایش ریسک‌های خاورمیانه‌ای مسیر نزولی در پیش گرفت و حتی کانال چهار میلیون واحدی را از دست داد، پس از هشت روز افت متوالی تا سطح سه میلیون و ۹۲۴ هزار واحد پایین آمد؛ هرچند در ادامه با ورود خریداران جدید، بار دیگر این کانال را پس گرفت. اکنون بازار در وضعیتی ایستاده که هر خبر سیاسی می‌تواند کفه ترازو را به سود امید یا ترس سنگین‌تر کند؛ بازاری که نه تسلیم بدبینی شده و نه جسارت خوش‌بینی کامل دارد، بلکه در انتظار نشانه‌ای روشن برای تعیین مسیر بعدی است.

بازار سهام در هفته‌های اخیر بیش از هر چیز تحت‌تأثیر دو نیروی متضاد حرکت کرده است؛ دو جریانی که یکی بر طبل نگرانی می‌کوبد و دیگری بدر امید می‌پاشد. برآیند این وضعیت، شکل‌گیری فضایی از بلاتکلیفی است که در آن سرمایه‌گذاران نه جسارت خوش‌بینی کامل دارند و نه به مرحله تسلیم در برابر بدبینی مطلق رسیده‌اند. نتیجه چنین شرایطی، بازاری است که میان امید و ترس معلق مانده است. از یک‌سو، تشدید ریسک‌های سیستماتیک در سطح منطقه خاورمیانه سایه سنگینی بر ذهن فعالان بازار انداخته است. افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک و برجسته شدن ادبیات تهدیدآمیز در عرصه سیاست خارجی، باعث شده انتظارات ریسکی سرمایه‌گذاران افزایش یابد. در چنین فضایی، حتی اگر اتفاق مشخص و فوری هم رخ ندهد، نفس نااطمینانی کافی است تا رفتار معامله‌گران محافظه‌کارانه‌تر شود. تهدیدهای لفظی و مواضع تند برخی چهره‌های سیاسی در آمریکا، ازجمله دونالد ترامپ، به این فضای ذهنی دامن زده و این تصور را تقویت کرده که امکان بازگشت فشارهای حداکثری یا تشدید محدودیت‌ها همچنان یک سناریوی محتمل است. بازار سهام ذاتاً نسبت به ریسک‌های سیستماتیک حساس است، زیرا این نوع ریسک‌ها برخلاف ریسک‌های شرکتی یا صنعتی، از مسیر تنوع‌بخشی قابل حذف نیستند. در نتیجه وقتی سرمایه‌گذار احساس می‌کند متغیرهای کلان سیاسی و بین‌المللی ممکن است به‌طور ناگهانی تغییر کنند، ترجیح می‌دهد سطح درگیری خود را با دارایی‌های پرریسک کاهش دهد. این رویکرد خود را با کاهش ارزش معاملات، افزایش تمایل به نقد ماندن و جابه‌جایی بخشی از منابع به سمت دارایی‌های کم‌ریسک‌تر نشان می‌دهد. در مقابل این موج نگرانی، سیگنال‌هایی از مسیر دیپلماسی نیز به بازار مخابره شده که نقش یک نیروی تعدیل‌کننده را ایفا کرده است.

انجام یک دور از مذاکرات میان ایران و آمریکا در هفته‌های گذشته، هرچند به نتیجه قطعی و ملموس منجر نشده، اما از نگاه بازار به‌معنای باز بودن کانال گفت‌وگو تلقی شده است. همین که سناریوی تعامل و کاهش تنش به‌طور کامل از دستور کار خارج نشده، برای بخشی از فعالان بازار یک نکته امیدوارکننده محسوب می‌شود. این امیدواری بیشتر در انتظارات میان‌مدت خود را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاران می‌دانند که هرگونه گشایش در روابط خارجی می‌تواند از مسیر کاهش فشارهای تحریمی، بهبود صادرات، تسهیل نقل‌وانتقالات مالی و درنهایت تقویت سودآوری شرکت‌ها اثرگذار باشد. بنابراین حتی اخبار محدود از تداوم گفت‌وگوها، مانع از آن شده که فضای بازار به‌طور کامل در اختیار سناریوهای بدبینانه قرار گیرد. برآیند این دو نیروی متضاد، شکل‌گیری رفتاری نوسانی و محتاط در بازار بوده است. شاخص‌ها در واکنش به هر خبر سیاسی دچار رفت و برگشت می‌شوند و معامله‌گران بیش از گذشته به تیرهای خبری حساس شده‌اند. در چنین شرایطی، تحلیل‌های بنیادی به تنهایی تعیین‌کننده نیستند و وزن متغیرهای سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها افزایش یافته است. در مجموع می‌توان گفت بازار سهام در وضعیت انتظار پراضطراب قرار دارد؛ انتظاری که در آن هر خبر مثبت از مسیر مذاکرات می‌تواند جرقه‌ای برای بهبود تقاضا باشد و در مقابل، هر نشانه‌ای از تشدید تنش‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی می‌تواند موج تازه‌ای از احتیاط و عقب‌نشینی را رقم بزند. تا زمانی‌که یکی از این دو کفه به‌طور معنادار سنگین‌تر نشود، این نوسان میان امید و ترس، ویژگی اصلی رفتار بورس باقی خواهد ماند.

تنش‌های پرهزینه

اعتراض‌های اجتماعی چه صدمه‌ای به اقتصاد می‌زند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

از روزهای پرتشنی که با از دست رفتن جان شمار زیادی از هم‌وطنان همراه بود، عبور کرده‌ایم و اکنون در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که می‌توان با فاصله گرفتن از هیجانات، به بررسی ابعاد اقتصادی و اجتماعی اعتراض‌ها پرداخت. هرچند احساسات جمعی همچنان زنده است، اما تحلیل واقع‌بینانه شرایط، مستلزم تمرکز بر ریشه‌ها و پیامدهاست؛ ریشه‌هایی که در بستر تحولات اقتصادی و اجتماعی سال‌های اخیر شکل گرفته و پیامدهایی که می‌تواند مسیر آینده کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد.

پژوهش‌های اقتصادی نشان می‌دهد مجموعه‌ای از عوامل در شکل‌گیری نارضایتی‌های انباشته نقش داشته‌اند. کاهش مستمر قدرت خرید خانوارها، گسترش بیکاری به‌ویژه در میان جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، رشد نابرابری درآمدی و تقویت احساس تبعیض ساختاری، زمینه‌ای فراهم کرد تا مطالبات فروخورده مجال بروز پیدا کند. هنگامی که شکاف میان انتظارات شهروندان و ظرفیت پاسخگویی ساختارهای اقتصادی افزایش می‌یابد، سرمایه اجتماعی به‌تدریج فرسایش می‌شود. در چنین وضعیتی، اعتماد عمومی که یکی از ارکان اصلی ثبات اقتصادی است، آسیب می‌بیند و بی‌اعتمادی جایگزین امید و مشارکت

فعال می‌شود. این فرآیند نه‌تنها کارآمدی سیاست‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد، بلکه هزینه‌های اجتماعی تصمیم‌گیری را نیز افزایش می‌دهد. در کنار مؤلفه‌های اقتصادی، تحولات اجتماعی نیز نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند. تغییرات نسلی، گسترش دسترسی به اطلاعات و تحول در سبک زندگی و الگوهای ارتباطی، سطح آگاهی و دامنه مطالبات را دگرگون کرده است. جامعه‌ای که از طریق شبکه‌های ارتباطی نوین با تجربه‌های متنوع جهانی آشنا می‌شود، خواسته‌های خود را در چارچوبی مقایسه‌ای و گسترده‌تر تعریف می‌کند. در چنین بستری، هرگونه محدودیت یا نشانه‌ای از ناکارآمدی، دیگر صرفاً مسئله‌ای مقطعی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان علامتی از ناهماهنگی‌های عمیق‌تر ساختاری تعبیر می‌شود. اگر این ناهماهنگی‌ها به‌موقع شناسایی و اصلاح نشوند، می‌توانند چرخه‌ای از نارضایتی و بی‌ثباتی اجتماعی را بازتولید کنند. ناآرامی‌ها، صرف‌نظر از خاستگاه و مطالباتشان، بر زندگی و معیشت میلیون‌ها نفر تأثیر گذاشته و می‌گذارند. آسیب به کسب‌وکارهای خرد، اختلال در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، کاهش مبادلات و افت درآمدهای روزانه، بخشی از پیامدهای کوتاه‌مدت این رخدادهاست. در کنار پیامدهای سیاسی، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی اعتراض‌ها می‌تواند روند توسعه را کندتر کند. با این‌حال، برخی تحلیلگران بر این باورند که گرچه اقتصاد در

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

غلبه انتظارات بدبینانه

چرا بازار ارز روی آرامش نمی‌بیند؟

سعید مسبوق

گروه اقتصاد

بازار ارز در روزهای اخیر نشان داده که وزن انتظارات بدبینانه همچنان بر کفه امیدواری به تحولات دیپلماتیک سنگینی می‌کند. با وجود برگزاری یک دور از مذاکرات میان ایران و آمریکا، رفتار معامله‌گران ارزی حاکی از آن است که بخش قابل‌توجهی از فعالان بازار، احتمال دستیابی به نتایج سریع و ملموس را پایین ارزیابی می‌کنند. همین نگاه محتاطانه و تا حدی بدبینانه، خود را به‌صورت تداوم رشد نرخ دلار در بازار آزاد نشان داده است. مسیر قیمتی دلار در چند روز گذشته به‌خوبی گویای تقویت انتظارات افزایشی است. نرخ اسکاس آمریکایی در معاملات شنبه در سطح ۱۵۵ هزار و ۵۰۰ تومان به کار خود پایان داد. این رقم در روز یک‌شنبه به ۱۵۹ هزار و ۲۰۰ تومان رسید و دوشنبه نیز دلار معاملات را در سطح ۱۶۱ هزار و ۷۰۰

مرکز توجه قرار گرفته، اما جامعه کارشناسی اقتصادی در مواجهه با این بحران‌ها کمتر به تحلیل نظام‌مند پیامدهای آن پرداخته و کمتر راهکارهای مشخص و عملیاتی ارائه داده است. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که جنبش‌های اجتماعی با سامدی بیشتر و فاصله‌های زمانی کوتاه‌تر رخ می‌دهند. لایه‌های انباشته‌ای از ناامیدی اجتماعی به این روند دامن زده و محدودیت‌های موجود برای بیان مسالمت‌آمیز مطالبات، بر عمق و گستره این نارضایتی‌ها افزوده است. نگرانی اصلی تحلیلگران آن است که تداوم این وضعیت، ضمن آسیب به سرمایه اجتماعی، اقتصاد کشور را نیز در معرض شوک‌های مکرر قرار دهد. اقتصادهایی که با نااطمینانی مزمن مواجهند، معمولاً با کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش خروج سرمایه و افت رشد اقتصادی روبه‌رو می‌شوند. در نگاه نخست،



هزینه آشکار ناآرامی‌ها در آسیب به اموال عمومی، زیرساخت‌ها و دارایی‌های خصوصی نمایان می‌شود. حتی در اعتراض‌های محدود نیز همواره احتمال تخریب و خسارت وجود دارد. اما هزینه‌های پنهان بسیار گسترده‌ترند. افزایش ریسک‌های امنیتی و سیاسی می‌تواند سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را نسبت به آینده مردد کند. سرمایه‌گذاری که به‌دنبال محیطی پاباث و قابل پیش‌بینی است، در مواجهه با چرخه‌های تکرارشونده ناآرامی، ترجیح می‌دهد منابع خود را به بازارهای کم‌ریسک‌تر منتقل کند. این امر چرخه‌ای معیوب ایجاد می‌کند: کاهش سرمایه‌گذاری به رکود و بیکاری بیشتر می‌انجامد و همین وضعیت، بستر نارضایتی‌های بعدی را تقویت می‌کند. واکنش دولت‌ها به ناآرامی‌ها نیز می‌تواند پیامدهای اقتصادی قابل‌توجهی داشته باشد. در بسیاری از موارد، محدودسازی یا قطع اینترنت به‌عنوان ابزاری برای کنترل شرایط به کار گرفته می‌شود. این اقدام، علاوه بر پیامدهای اجتماعی و حقوقی، اقتصاد را نیز با چالش‌های جدی مواجه می‌کند. در عصر دیجیتال، بخش قابل‌توجهی از مبادلات اقتصادی، خدمات مالی، تجارت الکترونیک و حتی آموزش و سلامت به اینترنت وابسته است. اختلال گسترده در شبکه، زنجیره‌ای از فعالیت‌های اقتصادی را متوقف می‌کند و زیان‌هایی به بار می‌آورد که جبران آنها دشوار است. در سطح خرد، کسب‌وکارهای کوچک و

متوسط بیشترین آسیب را از اختلالات اینترنتی می‌بینند. بسیاری از فروشندگان خرد، فعالان حوزه خدمات آنلاین و تولیدکنندگان محتوا، سرمایه اصلی خود را در بستر دیجیتال تعریف کرده‌اند. قطع یا اختلال مکرر اینترنت، درآمد روزانه آنان را به صفر می‌رساند و در صورت تداوم، می‌تواند به تعطیلی کامل فعالیتشان بینجامد. این گروه‌ها معمولاً از پشتوانه مالی کافی برای تاب‌آوری در برابر شوک‌های بی‌دریی برخوردار نیستند. افزون بر این، نااطمینانی ناشی از احتمال تکرار اختلالات، برنامه‌ریزی بلندمدت را برای کارآفرینان دشوار می‌کند و انگیزه سرمایه‌گذاری در اقتصاد دیجیتال را کاهش می‌دهد. هزینه‌های ناآرامی‌ها تنها به زیان‌های مالی مستقیم محدود نمی‌شود. هر چرخه اعتراضی با هزینه‌های روانی و اجتماعی گسترده‌ای همراه است. افزایش اضطراب عمومی، تضعیف حس امنیت و کاهش امید به آینده، می‌تواند بر بهره‌وری نیروی کار و کیفیت سرمایه انسانی اثر بگذارد. یکی از پیامدهای قابل توجه، تشدید تمایل به مهاجرت در میان جوانان و نیروهای متخصص است. هنگامی که نااطمینانی و ناامیدی بر فضای عمومی غلبه می‌کند، مهاجرت به‌عنوان گزینه‌ای برای دستیابی به ثبات و فرصت‌های بهتر تقویت می‌شود. خروج سرمایه انسانی، در بلندمدت هزینه‌ای به‌مراتب سنگین‌تر از خسارت‌های فیزیکی بر جای می‌گذارد. مطالعات بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که اختلالات

گسترده اینترنت و بی‌ثباتی‌های اجتماعی می‌تواند زیان‌های قابل‌توجهی به اقتصاد تحمیل کند. برآوردها حاکی از آن است که در کشورهای با سطح بالای اتصال، قطع کامل اینترنت می‌تواند روزانه میلیون‌ها دلار زیان مستقیم به همراه داشته باشد. افزون بر این، زیان‌های غیرمستقیم ناشی از کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و افت اعتبار بین‌المللی، در محاسبات عددی به‌سادگی قابل اندازه‌گیری نیست، اما آثار بلندمدت آنها بر رشد اقتصادی محسوس است. با توجه به این شواهد، دشوار نیست که نتیجه بگیریم اعتراض‌های اجتماعی برای هر کشوری پرهزینه هستند. با این‌حال، تمرکز صرف بر هزینه‌ها کافی نیست. پرسش اساسی آن است که

چگونه می‌توان از تکرار چرخه‌های پرهزینه جلوگیری کرد. بسیاری از کارشناسان معتقدند که شنیدن صدای مطالبات و تلاش برای اصلاح کاستی‌های ساختاری، کم‌هزینه‌تر از مدیریت پیامدهای ناآرامی‌هاست. سرمایه‌گذاری در ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، کاهش نابرابری، تقویت شفافیت و گسترش مشارکت اجتماعی می‌تواند بخشی از شکاف ایجادشده را ترمیم کند. بدبینی است که هیچ راه‌حل فوری و ساده‌ای برای رفع چالش‌های انباشته اقتصادی و اجتماعی وجود ندارد. اصلاحات ساختاری زمان‌بر و نیازمند اجماع و اراده سیاسی است. با این حال، حتی گام‌های تدریجی در جهت بهبود حکمرانی اقتصاد، افزایش شفافیت، تقویت آزادی‌های مدنی و کاهش تبعیض می‌تواند امید اجتماعی را تقویت کند. امید، سرمایه‌ای نامرئی اما حیاتی است که نبود آن، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی را چند برابر می‌کند. تحلیل ابعاد اقتصادی و اجتماعی اعتراض‌ها باید به‌جای تقلیل مسئله به یک عامل یا مقصر واحد، تصویری جامع از تعامل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارائه دهد. تنها با چنین نگاهی می‌توان از بازتولید چرخه نارضایتی و بی‌ثباتی جلوگیری کرد و مسیر توسعه‌ای پایدارتر و کم‌هزینه‌تر را در پیش گرفت. مسیری که در آن، سرمایه اجتماعی تقویت شود، اقتصاد از نااطمینانی مزمن فاصله بگیرد و شهروندان چشم‌اندازی روشن‌تر برای آینده پیش‌رو داشته باشند.

و اجرایی از تغییر شرایط مشاهده نکنند، سناریوهای خوش‌بینانه را در قیمت‌ها به‌طور کامل لحاظ نکنند. بازار فیزیکی طلا و سکه در هفته‌های اخیر نیز بار دیگر در کانون توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته است؛ بازاری که هم‌زمان از دو موتور قدرتمند قیمتی نیرو گرفته و توانسته سطوح تازه‌ای از قیمت را ثبت کند. جهش همزمان نرخ دلار در بازار آزاد و رشد قابل‌توجه بهای اونس جهانی طلا، ترکیبی را ساخته که فشار صعودی کم‌سابقه‌ای بر قیمت‌ها در بازار طلا و سکه داخل کشور وارد کرده است. در بازارهای جهانی، بهای اونس طلا با عبور از مرز پنج هزار دلار، سیگنال روشنی از تقویت تقاضای دارایی‌های امن را مخابره کرده است. این رشد پرشتاب عمدتاً ریشه در افزایش نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی در سطح بین‌الملل دارد. تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک، تداوم درگیری‌های منطقه‌ای و همچنین بالا گرفتن جنگ‌های تعرفه‌ای و رقابت‌های تجاری میان قدرت‌های بزرگ، فضایی را رقم زده که در آن سرمایه‌گذاران جهانی ترجیح داده‌اند بخشی از دارایی‌های خود را به طلا منتقل کنند. در چنین شرایطی، طلا بار دیگر نقش سنتی خود را به‌عنوان پناهگاه امن سرمایه ایفا کرده و همین موضوع به‌عنوان یک بازوی کمکی مهم، بازار داخلی طلا و سکه را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است. در داخل کشور نیز نرخ ارز مسیر صعودی قابل‌توجهی را تجربه کرده و دلار در بازار آزاد به سطوحی بیش از ۱۶۰ هزار تومان رسیده است. افزایش نرخ ارز در واقع بازتابی از کاهش ارزش ریال است؛ پدیده‌ای که حاصل برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، مالی و سیاسی است.

جنگال دختر چپ

حضور زنان بی حجاب در راهپیمایی ۲۲ بهمن جنگال آفرین شد

گروه اجتماعی: راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال در تهران و دیگر شهرهای کشور علاوه بر روایت‌های رسمی درباره میزان مشارکت به صحنه‌ای برای بروز یک مناقشه رسانه‌ای تازه تبدیل شد؛ مناقشه‌ای که بیش از هر چیز حول تصویر و گفت‌وگوی یک زن بدون حجاب مرسوم شکل گرفت و به‌سرعت در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد. ماجرا از انتشار ویدئویی توسط خبرگزاری دانشجو آغاز شد؛ رسانه‌ای وابسته به بسیج دانشجویی که گفت‌وویی کوتاه با زنی حاضر در مراسم منتشر کرد. بازنشر این ویدئو در دیگر رسانه‌ها از جمله خبرگزاری فارس همچنین واکنش سایت‌هایی چون خبرآنلاین و برترین‌ها باعث شد، موضوع از یک گفت‌وگوی خیابانی فراتر برود و به بحثی درباره «بازنمایی»، «توع اجتماعی» و حتی «دوگانگی سیاست‌گذاری» تبدیل شود. در کنار این ویدئو، فیلم دیگری نیز منتشر شد که در آن زنی محجبه به دختری که شالش آزاد بود، تذکر می‌دهد: «حجابتو رعایت کن، تصویرمون میره تو کشورهای دیگه». این صحنه به مشاجره‌ای کوتاه انجامید و به‌سرعت در فضای مجازی تحلیل شد. برخی کاربران رفتار زن محجبه را نشانه استمرار نگاه کنترلی به حجاب دانستند و گروهی دیگر تأکید کردند که اتفاقاً همین همزمانی حضور زنان کم‌حجاب و تذکر علنی، نشان‌دهنده توع و تعارض دیدگاه‌ها در یک بستر واحد است.

ماجرای زینب آذرگشپ

اما آنچه ماجرا را پیچیده‌تر کرد، هویت فرد مصاحبه‌شونده بود. در ساعات بعد، نام «زینب آذرگشپ» در شبکه‌های اجتماعی مطرح شد. برخی کاربران او را همان «زینب آذرگشپ، کارشناس

دانشگاه

از مردم عذرخواهی کنید

رئیس دانشگاه تهران ریشه اصلی اعتراضات را داخلی دانست

گروه اجتماعی: محمدحسین امید، رئیس دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا به واکاوی حوادث تلخ دی‌ماه و دلایل نارضایتی عمومی پرداخت و دولت را به عذرخواهی فراخواند. وی با اشاره به سابقه ۴۷ ساله انقلاب اسلامی و توطئه‌های بیرونی بر این باور بود که «بخشی از حوادث کشور ناشی از شیطنت‌ها و دشمنی‌های بیرونی است»؛ با این حال تأکید کرد که «بخش قابل‌توجهی از دلخوری مردم از دولتمردان به اشتباهات و مشکلات داخلی بازمی‌گردد». به گفته امید مردم عملکرد مفسدان اقتصادی و سوءاستفاده‌کنندگان را دیده و از «مدیریت‌های ضعیف چند دهه‌ای، انباشت سوءاستفاده‌ها و سودجویی برخی افراد» خشمگین هستند. در همین راستا، او روشن کرد که برخی مشکلات اقتصادی اگر ریشه در فشارهای خارجی داشته باشند اما بخش عمده‌ای ناشی از همین نابسامانی‌های داخلی و فساد است.

فضاوت درباره علل حوادث

امید تأکید کرد که نمی‌توان به‌طور مطلق نقش دشمنان خارجی را نفی کرد اما همزمان بر نقش غفلت‌های داخلی تأکید داشت. وی افزود: «مشکلات اقتصادی اگرچه ریشه‌هایی در دشمنی‌ها و فشارهای بیرونی دارد اما بخشی از آن به نابسامانی‌های داخلی، مدیریت‌های ضعیف و انباشت سوءاستفاده‌ها برمی‌گردد». به بیان او ترکیب این عوامل باعث انباشت نارضایتی عمومی شده است. در عین حال خاطرنشان کرد که دشمنان همواره از فضای ناآرامی‌ها برای روایت‌سازی استفاده می‌کنند و در حوادث اخیر حتی «کشته‌سازی» نیز مشاهده شد؛ پدیده‌ای که خود موجب «ناراحتی عمیق در جامعه» شده بود.

در واقع، امید در تحلیل خود هم به «عوامل بیرونی» و هم به «عوامل درونی» اشاره کرد. به گفته وی، یکی از اشکالات رخدادهای گذشته این بوده که همواره تلاش شده مسئله فقط با مدیریت جمع شود و «ریشه‌یابی جدی برای

تولید محتوا در پلتفرم ترب» معرفی کردند و به صفحه لینکدین او ارجاع دادند. در مقابل، گروهی دیگر مدعی شدند، فرد حاضر در راهپیمایی شخص دیگری با نامی مشابه، یعنی «زینب آذرگشپ»، دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه تهران با گرایش‌های چپ و مارکسیستی است و اساساً ارتباطی با کارشناس محتوای ترب ندارد. این دوگانه هویتی، خود به سوژه‌ای مستقل بدل شد؛ تا جایی که برخی کاربران از «سوءاستفاده رسانه‌ای از تشابه اسمی» سخن گفتند و برخی دیگر تأکید کردند که اصل ماجرا نه نام فرد بلکه پیام سیاسی حضور اوست. در این میان ادعای گرایش چپ یا مارکسیستی این‌چهره نیز محل بحث شد. بخشی از فعالان راست‌گرا در شبکه‌های اجتماعی با اشاره به مواضع پیشین چپ‌ها در حمایت از برخی مفاهیم عدالت‌خواهانه یا انتقادات ساختاری، حضور این فرد در مراسم ۲۲ بهمن و اظهارنظر در حمایت از «محور مقاومت» را متناقض دانستند. در سطحی دیگر، واکنش‌ها به مسئله حجاب معطوف شد. شماری از کاربران این پرسش را مطرح کردند که چگونه در یک روز خاص، نمایش رسانه‌ای زن بی‌حجاب به‌عنوان نماد «توع و همبستگی» ممکن است اما در روزهای عادی همان نوع پوشش می‌تواند به برخورد انتظامی یا جریمه منجر شود. این گروه، انتشار ویدئو را نوعی «استاندارد دوگانه» تعبیر کردند و آن را نشانه‌ای از بهره‌برداری نمادین از سوژه حجاب دانستند. در مقابل، مدافعان این بازنمایی استدلال کردند که راهپیمایی ۲۲ بهمن به‌عنوان یک مراسم ملی، ظرفیت گردهم آوردن طیف‌های مختلف را دارد و حضور افراد با ظاهرهای متفاوت لزوماً به‌معنای تغییر سیاست‌های رسمی نیست بلکه می‌تواند، بیانگر اولویت یافتن «وحدت در بزنگاه‌های خاص» باشد.

خودشان می‌خواستند مصاحبه کنند

در اِسن میان، واکنش آمنه ذبیحی‌پور نیز مورد توجه قرار گرفت. در اظهارنظری تأکید کرد که برای خودش نیز مشاهده این توع ظاهری قابل تأمل بوده است. به گفته او، ممکن است از بیرون چنین برداشت شود که نوع پوشش لزوماً نشان‌دهنده فاصله سیاسی است اما در گفت‌وگوهای میدانی با برخی از این افراد با مواضعی صریح در حمایت از نظام مواجه شده است؛ افرادی که حتی گفته‌اند برای نخستین بار در این مراسم شرکت می‌کنند و حضورشان را در پاسخ به پیام رهبری توصیف کرده‌اند. آنها اعلام کردند که خودشان تمایل به مصاحبه تصویری دارند.

آمار حضور در مراسم ۲۲ بهمن

همزمان، آمارهای اعلامی درباره جمعیت شرکت‌کنندگان نیز به این فضای بحث‌برانگیز دامن زد. برخی رسانه‌های رسمی از رشد مشارکت نسبت به سال‌های گذشته سخن گفتند و ارقامی میلیونی برای تهران و ده‌ها میلیونی برای کل کشور اعلام کردند. هرچند صحت‌سنجی این اعداد همواره محل مناقشه بوده اما در این مورد خاص، تمرکز افکار عمومی بیش از آنکه بر کمیت جمعیت باشد بر کیفیت بازنمایی و پیام سیاسی تصاویر متمرکز شد.

گزارش ویژه

آغاز ثبت‌نام پانزدهمین دوره کارآموزی همراه اول

فرصت استخدام در اپراتور اول تلفن همراه کشور برای بیش از ۱۰۰ ظرفیت کارآموزی فراهم شد. به گزارش مرکز ارتباطات، توسعه برند و رویدادهای بین‌المللی همراه اول، پانزدهمین دوره کارآموزی اپراتور اول از روز دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴ آغاز شده و علاقه‌مندان می‌توانند تا پایان روز جمعه یکم اسفندماه ۱۴۰۴ برای ثبت‌نام در این دوره اقدام کنند. این دوره ۴ ماهه که به‌منظور تقویت مهارت‌های عملی و افزایش تجربه کاری دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و متقاضیان ورود به بازار کار طراحی شده، فرصتی منحصر‌به‌فرد برای کسب تجربه کاری واقعی در محیط حرفه‌ای به‌شمار می‌آید. در این دوره بیش از ۶۵ موقعیت با بیش از ۱۰۰ ظرفیت جذب کارآموز در گروه‌های شغلی متنوع از جمله IT و برنامه‌نویسی، بازاریابی و فروش، مالی و اداری، گرافیک و تولید محتوا، مهندسی برق و مخابرات در نظر گرفته شده است. متقاضیان می‌توانند، حداکثر برای سه موقعیت شغلی مورد نظر خود ثبت درخواست و شانس خود را برای کسب تجربه در بزرگ‌ترین اپراتور مخابراتی کشور امتحان کنند. یکی از مزایای قابل‌توجه این دوره علاوه بر امکان کار در محیطی حرفه‌ای، بهره‌مندی از حقوق و بیمه طی مدت دوره کارآموزی است. همچنین لازم به ذکر است، افرادی که در این دوره ۴ ماهه عملکردی مناسب و رضایت‌بخش از خود نشان دهند، می‌توانند از فرصت استثنایی استخدام در گروه شرکت‌های همراه اول بهره‌مند شده و مسیر شغلی خود را در این شرکت آغاز کنند. برای اطلاع از جزئیات موقعیت‌های کارآموزی و ثبت‌نام در این برنامه علاقه‌مندان می‌توانند به وبسایت آکادمی همراه اول به نشانی <https://hamrah.academy/internship> مراجعه کرده و اطلاعات کامل را مشاهده کنند.



